

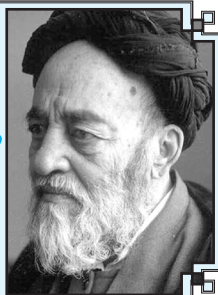
«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

حضرت آیت الله سبحانی:
علامه
طباطبایی دژی
برای اسلام
و تشیع بود



سال سی و پنجم ♦ شماره ۱۶ ♦ شماره مسلسل ۱۴۸۶ ♦ نیمه دوم آبان ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

کتاب الامام علی (علیه السلام) و آیت الله بروجردی

استاد سید هادی خسروشاهی



از راست: جرج جرداق، دکتر سید جعفر شهیدی دینانی، حجج اسلام رحیمیان،
مهاجری، دعایی و استاد خسروشاهی

پس از انتشار کتاب یک جلدی «الامام علی صوت العدالة الانسانیة» به زبان عربی و انعکاس وسیع نشر آن در دنیای اسلام، و تقدیر و تشکر علمای بزرگ و مراجع تقلید در ایران و عراق و لبنان از مؤلف محترم، مرحوم آیت الله بروجردی، — مرجع تقلید بزرگ — طی نامه‌ای از شادروان استاد صدر بلاغی می‌خواهند که به ترجمه این کتاب ارزشمند بپردازند. چون ترجمه این کتاب و توقیف تنها نسخه خطی آن توسط رژیم شاه، خود داستانی دارد، بی‌مناسبت نیست که در این یادداشت برای گرامی داشت یاد و خاطره جرج جرداق مؤلف محترم و نخستین مترجم آن، مرحوم استاد سید صدرالدین بلاغی، اشاره به آن داشته باشیم. در این رابطه، نخست نامه مرحوم آیت الله بروجردی را نقل می‌کنیم که خطاب به آقای بلاغی چنین مرقوم فرموده بودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند. مرقوم محترم واصل و از محتویات آن مستحضر شدم. امیدوارم زحماتی که در راه نشر معارف الهیه و تألیف کتب مفیده متحمل شده‌اید مورد استفاده عموم و مقبول صاحب شریعت مقدسه باشد. سابقا نسخه ای هم از کتب خودتان فرستاده بودید. مقداری از آن را ملاحظه نمودم، گمان می‌کنم برای جوانان از ذکور و اناث مفید باشد. فعلا نسخه‌ای که از کتاب جرج سحجان جرداق فرستاده بودید خود شخص مرقوم در ماه رمضان گذشته نسخه‌ای از آن کتاب به عنوان هدیه برای حقیر فرستاده و مکتوبی هم که حاوی سبب تألیف کتاب و زحماتی که متحمل شده، نوشته بود. حقیر مقداری که وقت مساعدت می‌کرد و مطالعه کرده‌ام کتابی است مفید و ممکن است گفته شود که در موضوع خود عادم النظر است. روز عید اضحی جماعتی از تجار طهران به وشنوه آمدند و حقیر این موضوع را مذاکره کردم. جناب عمده‌الاعیان آقای حاج حسین آقا شالچیلار اظهار میل کرد که اگر ترجمه شود این کتاب به فارسی، ما در طبع آن حاضر هستیم. لذا گمان می‌کنم مقتضی است یا خود جناب مستطاب عالی یادگیری را وادار نمایید که ترجمه شود. پس از ترجمه وسائل طبع آن از این طریق و یا غیر این طریق فراهم خواهد شد. امیدوارم خداوند عزّ شانه موجبات آسایش جناب مستطاب عالی را فراهم فرماید. مرجو آنکه در مواقع توجه حقیر را فراموش نفرمایید.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته ۱۸ محرم ۱۳۷۶.

حسین الطباطبایی

استاد صدر بلاغی در دیداری در تهران به نگارنده گفت من در واقع به دستور آیت الله بروجردی به ترجمه کتاب پرداختم و قسمت عمده آن را هم آماده کرده بودم که رژیم ضد فرهنگ، از آن آگاه شد و روزی مأموری به منزل من آمد و ترجمه کتاب و خود مرا همراه ساواک برد!

البته بهتر است چگونگی ماجرا را بهتر است نخست از زبان همان مأمور رژیم که سرهنگ عیسی پژمان نام دارد و خاطرات خود را چند سال پیش در پاریس منتشر ساخته است، بخوانیم... البته من فتوایی مطلب مربوط به ایشان را به استاد صدر بلاغی فرستادم. پس از مطالعه، تلفنی به من گفتند: مطالب تقریباً درست است. همانطور که اتفاق افتاده نوشته است، اما به این نکته اشاره نکرده است که کتاب را پس از ترجمه کامل از من گرفتند تا همراه اجازه چاپ! و نشر به من پس بدهند! ولی اصل ترجمه مرا هم پس ندادند. اینک نخست، نوشته سرهنگ پژمان را می‌آوریم و سپس خلاصه ای از آخرین گفتگوی خود با استاد صدر بلاغی را در این زمینه نقل می‌کنیم:

ادامه در صفحه ۴

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:
آیت الله تسخیری،
زبان گویای فرهنگ
ایرانی و مکتب تشیع
در مجامع جهانی است



آیت الله سید محمد خامنه‌ای:
«رسالة الطیر»
بوعلی سینا
دستور العمل
چریکی است



حجت الاسلام والمسلمین یونسی:
وضعیت تقریب
در ایران
ایده آل است



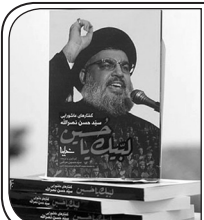
آیت الله استادی:
«المیزان» تفسیر
اجتهادی به معنای
واقعی است



آیت الله عیسی قاسم:
دشمن حقیقی کسی
است که به وحدت
امت ضربه بزند



برگزاری مراسم
رونمایی از کتاب
«لیک یا حسین»



آیت الله جوادی آملی:

علامه طباطبایی مقام عقل و تعبد را با هم جمع کرده بود

علامه طباطبایی که از نوشته‌های ایشان مشخص است؛ این بزرگوار در بخش‌های گوناگون روش‌های معرفتی جامع بودند، هم روش تجربی را برای آن‌جا که لازم بود و نیمه تجربی را که ریاضی است در بحث ریاضیات بسیار غنی و قوی بودند و این تحریر اقلیدس را کاملاً خوانده بود، ثابودوسوس را که من نسخه خطی را از او گرفته بودم کاملاً خوانده بود، مالانوس را خوانده بود و اینها را نزد اساتید ریاضیدان نجف خوانده بود، به همان تعبیر و لهجه ظریف آذری زبانش می‌گفت مقاله ده اقلیدس گویا انسان، عزرائیل را از نزدیک می‌بیند، چون مقاله ده اقلیدس واقعا بسیار دشوار است. آن روز درک هندسه فضایی بسیار مشکل بود، زیرا معلم و استاد نقشه‌ای که می‌کشید مسطح بود و شاگرد ناچار بود مجسم تحویل بگیرد که آن بعد سوم از ذهنش می‌رفت. استاد از کره سخن می‌گفت؛ ولی شاگرد دایره تحویل می‌گرفت، استاد از مکعب سخن می‌گفت، او مربع تحویل می‌گرفت؛ این بود که مشکلات مسئله فضایی بسیار پیچیده بود، مرحوم علامه در آن بخش هم غنی و قوی بود.

* برهانی را که جناب بوعلی تبیین کرد از کتاب‌های غنی و قوی و استدلالی و متقن است که علامه تدریس کرد و در محضرش ما تلمذ کردیم، این تفکر عقلانی و منطقی ایشان بود. پس از این رشته‌های تجربی و نیمه تجربی و تجریدی کلامی و تجریدی فلسفی و تجریدی عرفان نظری که در تمهیدالقواعد و مانند آن بود، ایشان کارآمد بود؛ این هم یکی از نمونه‌های جامعیت علمی ایشان در بخش‌های علم حصولی.

* در بخش‌های علم شهودی هم که به لطف الهی اسراری را که ذات اقدس الهی با ایشان در میان گذاشت که کسی نمی‌دانست؛ ولی روابط خاصی که داشتند چه با قرآن و چه با عترت (علیهم الصلاۃ و علیهم السلام) در مکتوبات ایشان کاملاً مشخص بود. مستحضرید که بالاخره کسی که استاد نداشته باشد و حرف‌ها را خودش طرح، طراحی و مهندسی کند مخصوصاً حرف‌هایی که فاصله‌اش با حرف‌های قبلی خیلی باشد، معلوم می‌شود از جای دیگر جوشیده است. بعضی از مراجع نجف (رضوان الله علیهم) که به ایران آمده بودند و هم‌دوره و هم‌سن مرحوم علامه طباطبایی بودند چندین بار به من گفتند که این حرف‌های آقای طباطبایی برای خودش است، برای اساتیدش نیست، زیرا من اساتید ایشان را در نجف می‌شناسم هرگز آنها به این عمق و ژرفا فکر نمی‌کردند و تعبیر انسان کامل را ما از آن مرجع درباره علامه طباطبایی مکرر شنیدیم، فرمود ایشان انسان کامل است.

ادامه در صفحه ۷

آیت الله جوادی آملی در پیامی به همایش بین‌المللی «اندیشه‌های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان» به ویژگی‌های علمی علامه پرداخته است. خلاصه نکات مطرح شده در این پیام را در ادامه می‌خوانید.

* ذات اقدس الهی عالمان دین را جزء «بقیة الله» نامید؛ این واژه پربرکت «بقیة الله» از اسمای توقیفی وجود مبارک حضرت نیست، نظیر «اسماء الله» نیست، آنچه صیغه الهی دارد و می‌ماند این «بقیة الله» است. همه انبیا و اولیای الهی در ساختار خلقت «بقیة الله» هستند و عالمان دین که وارثان انبیای الهی می‌باشند اینها هم «بقیة الله» هستند؛ منتها در قله این وصف ممتاز وجود مبارک حضرت قرار دارد، و گرنه قرآن کریم از عالمان دین به عنوان «أولوا بقیة» یاد می‌کند و می‌فرماید چرا «أولوا بقیة» جلوی فساد و ضعف فرهنگی جامعه را نگرفتند و نمی‌گیرند.

* وجود مبارک امیرمؤمنان (ع) که فرمود: «الْعُلَمَاءُ بَأَقْوَنَ» را از همین کلمه گرفته است؛ منتها شرط بقای عالم این است که آن تعهدات الهی را خوب درک کند اولاً، باور کند ثانیاً، عمل کند ثالثاً، منتشر کند رابعاً، انتشار آن به صیغه فرهنگی و سخنرانی و تألیف و تصنیف بستگی دارد، خامساً و سادساً.

* اگر عالمی بر آن جنگ فقر و غنا صحه بگذارد و بگوید فقر و غنا با هم در جنگ هستند نه فقیر و غنی و باید فقر برداشته شود و در جامعه با شغل و اشتغال زندگی کنند، چنین عالمی به عهدش عمل کرده است. وجود مبارک حضرت امیر به فقیر کمک نمی‌کرد، کمک کردن به فقیر یک کمک عاطفی است؛ اما فقرزدایی، جنگ با فقر و ریشه‌کن کردن فقر کار عقلانی است، علی (ع) عاقلانه کار می‌کرد. از واشنگتن تا تاشکند و از تاشکند تا واشنگتن کشورهای الحاد و کفر و شرک کم نیستند، همه اینها به فکر فقرا هستند، حمایت از فقیر یک کار عاطفی میانی است، آن کار عقلانی همان است که وجود مبارک حضرت فرمود: من اگر فقر را ببینم گردنش را می‌زنم.

* «الْعُلَمَاءُ بَأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ» و علامه طباطبایی به نوبه خود آنچه مقدور و میسر او بود این چنین بود اولاً و ثانیاً جامعیتی را که ذات اقدس الهی به انبیا و اولیا و اهل بیت (علیهم الصلاۃ و علیهم السلام) داد به وارثان آنها هم مرحمت کرد، «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ».

* مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) جزء احیای علم الهی بود، علم را به برهان می‌شود احیا کرد، علم را با استدلال می‌شود احیا کرد، علم را با عمل صالح می‌شود احیا کرد. جامعیت مرحوم

آیت‌الله خامنه‌ای:

«رسالة الطیر» بوعلی سینا
دستور العمل چریکی است

به گزارش روابط عمومی بنیاد بوعلی سینا، آیت‌الله غیاث‌الدین طه‌محمدی رئیس این بنیاد با آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای رئیس بنیاد ایران‌شناسی در تهران دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار رئیس بنیاد ایران‌شناسی ضمن تجلیل از خدمات علمی ابن‌سینا با اشاره به مخالفت‌ها با آثار شیخ‌الرئیس اظهار داشت: ابن‌سینا جامع تمام علوم زمان خودش بوده و گناه بزرگ او از جانب مخالفین، همین جامعیت اوست. ایشان همچنان که پزشک و طبیب بوده، فلسفه و مخصوصاً فلسفه اشراقی برایش مهم بوده است. در بعد از اسلام، فلسفه، علوم و حتی ادبیات عرب و نظایر این‌ها روی دوش شیعیان و ایرانی‌ها بوده و اینها نگهبان علم بوده‌اند. ابن‌سینا یک شخص است اما به جریان بزرگی به نام باطنی وصل است. ائمه شیعه که در مدینه نشسته بودند تا خراسان شعبه‌ها و شاخه‌های سیاسی و نظامی داشتند. رسالة الطیر بوعلی‌سینا کتابی عرفانی نیست، بلکه دستورالعمل چریکی است.

آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای اضافه کرد: در زمینه همه ابعاد ابن‌سینا باید مطالعه و پژوهش انجام گیرد. حکمت اشراقی شیخ‌الرئیس باید مورد توجه قرار گیرد، چرا که از خصوصیات شیعه مواظبت و ملازمت حکمت اشراقی است.

وی درباره پشتکار و تلاش علمی ابن‌سینا نیز گفت: شیخ‌الرئیس زمانی که وزیر بوده، تمام روز کار دولتی انجام می‌داده و کارهایی مثل ارتش‌تاری و امور روزمره حکومت‌داری وقت ایشان را می‌گرفت. او نفر دوم حکومت بوده است، اما چنان با مباحث علمی و فلسفی و آموزش آن عجب‌ن بود که بعد از فارغ شدن از کارهای حکومتی، شبانه و تا ساعتی از شب گذشته؛ شاگردان فاضلش گرد او می‌نشستند و او به درس و مباحثه می‌پرداخت.

رئیس بنیاد ایران‌شناسی با اشاره به وقایع زندگی شیخ‌الرئیس و ذکر حادثه شورش لشکریان در زمان وزارتش در همدان گفت: همین واقعه شورش لشکریان، مسئله سیاسی روز و بر اثر تحریک عده‌ای در ارتش بوده است. ابن‌سینا دانشمند بسیار بزرگی است و بزرگی و اهمیت بیشترش نیز ایفای نقش اجتماعی و تاریخی چنین شخصیتی است.

عضو هیئت امنای بنیاد بوعلی‌سینا؛ یکی از گوشه‌های مباحث مربوط به ابن‌سیناپژوهی را آثار غزالی ذکر کرد و افزود: غزالی مسئولیت اصلی‌اش مبارزه با شیعه و اسماعیلیه بوده است. و نوک پیکان حملات او نیز به سمت ابن‌سینا است. برای اینکه بتواند امامیه را بکوبد، ابن‌سینا را می‌کوبد، اما خواجه‌نصیرالدین طوسی بدرستی در مقابله می‌ایستد.

رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا با اشاره به اهمیت پرداختن و توجه به فلسفه گفت: فلسفه کارش با احیاء و اقامه عقل است و احتیاج به پایمردی دارد.

عضو هیئت امنای بنیاد بوعلی‌سینا در پایان خواستار تقویت علمی و فراهم کردن امکانات مادی و معنوی از سوی مسئولان کشور و به ویژه همدان برای بنیاد بوعلی‌سینا شد.

رئیس بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی‌سینا نیز با ارایه گزارشی از فعالیت‌های علمی داخلی و خارجی بنیاد، خواستار توجه بیشتر علما و دانشمندان به میراث فلسفی و حکمی شیخ‌الرئیس شد و افزود: خارجی‌ها بیشتر از اینکه ابن‌سینا را به‌عنوان فیلسوف و دارای آثار فلسفی و فکری بشناسند؛ ایشان را به‌خاطر طب می‌شناسند. وظیفه بنیاد در برنامه‌های مشترک با مراکز علمی خارج از کشور علاوه بر مباحث پزشکی، تبیین و معرفی آثار فلسفی و فکری بوعلی‌سینا بوده است.

دکتر مهدی گلشنی:

کارهای مان در حوزه علوم انسانی، تقلیدی و تولید مقالاتمان نمایشی است



دانشگاه‌های کشور جذب علوم انسانی نمی‌شوند و رشته‌های دیگری می‌روند چرا که هدفی که برایش تحصیل می‌کنند خیلی خوب شناخته نشده است و اهداف آنهایی هم که در علوم انسانی کار می‌کنند درجه دومی و سومی است بنابراین اگر این وضعیت هدف گذاری درست بشود، بقیه کارها درست می‌شود.

باز هم تأکید می‌کنم که علوم انسانی شانی در محیط اجتماع ما ندارد یک بخشی از علوم انسانی ریشه در فرهنگ ما دارد بنابراین چون فرهنگ در محیط ما قوی نیست آن بخش هم از فرهنگ اصیل ما نشأت نمی‌گیرد بنابراین علوم انسانی در کشور ما اسمی مطرح است الان علوم انسانی را ما همینطور معلق نگه داشته‌ایم، حتی باید نگرش نسبت به آن در خانواده‌ها هم تغییر کند و در این علوم هم تحقیقات درجه اول صورت گیرد تا در جهان تأثیر گذار شود.

کارهایمان در حوزه علوم انسانی تقلیدی است

در پاسخ سؤالاتان باید بگویم که ما افراد شاخص و خوبی در حوزه‌های علوم انسانی داریم ولی به عقیده من خیلی از این افراد درجه دو و سه فعالیت می‌کنند چرا که برای تولید به محیط توجه می‌کنند نه به کاری که خود بدان اعتقاد دارند و مورد نیاز است بنابراین کاری که اهمیت دارد را انجام نمی‌دهند و مجبورند کاری بکنند برای اینکه از محیط عقب نمانند باید فرهنگ تولید علم در جامعه تغییر کند لازمه آن هم این است که علوم انسانی شأن خود را پیدا کند و ما احساس کنیم که در همه علوم از جمله علوم انسانی می‌توانیم چیزی به جهان ارائه دهیم، الان بیشتر کارهایمان تقلیدی است.

فرهنگ آمپولی است که باید تزییق کنیم
*پس یعنی نباید نگاهی به غرب داشته باشیم؟

خیر، منظور من این نیست بلکه باید تولیدات غرب هم نقد و بررسی شود، مباحث عقلانی که با فرهنگ ما مطابقت دارد جذب شده و آنچه نامطلوب است کنار گذاشته شود ولی این غربال کردن در محیط ما مطرح نیست چرا که در نظام آموزشی وضعیت زورگویی هم حاکم شده اجازه نمی‌دهیم بعضی چیزها به طور طبیعی در دانشگاه‌ها نفوذ کند و احساس می‌کنیم فرهنگ آمپولی است که باید تزییق کنیم درحالی که باید چیزی باشد که جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را.

در این زمینه یکی از نقاط ضعفمان هم نداشتن اهداف دراز مدت است در خیلی حوزه‌ها نمی‌دانیم که چرا می‌خواهیم نفر و مقام اول باشیم و این مسائل خوب تعریف نشده است، خیلی از استعدادها و ظرفیت‌هایمان در محیط هدر می‌روند درحالی‌که ما نیروی انسانی و افراد تیزهوش زیاد داریم ولی بلد نیستیم از آنها استفاده کنیم. مسئولان واقعا باید بیایند و ببیند که در دانشگاه‌ها چه می‌گذرد یک نظارت محترمانه و عاقلانه که علم به کجا می‌رود، کجها نقاط ضعف داریم و از نظر اخلاقی و سطح علمی نزول کرده یا صعود کرده‌ایم؟ آیا واقعا پیشرفت علمی داشتیم یا خیر؟ اگر واقعا این کار صورت بگیرد موفق خواهیم شد ولی اگر نظیر اکنون تصمیم‌گیری‌هایمان دور از جامعه علمی باشد به جایی نمی‌رسیم.

به اندیشمندان جامعه‌مان بی توجهی می‌کنیم
*با توجه به دغدغه‌های رهبری وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی در این راستا چیست؟

شورا هم باید یک گزارش کار واقعی از آنچه که در دانشگاه‌ها می‌گذرد، تهیه کند و بعد در مشورت با عقلای فن به راه حل برسد، نکته دیگر این که از عقلانیت محیط باید استفاده شود خیلی مسئولان از افراد دم دستی و رفقایشان برای کار و مشورت استفاده می‌کنند اولویت‌ها را بسنجیم، من نمی‌دانم چرا ساعت‌ها در جلسات صرف یک جمله می‌شود این کارها بی‌فایده است. فکر کنیم که کجا به دلیل کمبودهایمان ضرر می‌کنیم ما به خیلی از اندیشمندان جامعه‌مان بی‌توجهی می‌کنیم، خیلی وقت‌ها که رهبری به دانشگاه‌ها می‌رفتند و با اساتید صحبت می‌کردند نتایج مثبتی می‌گرفتیم و بعدها که با دانشگاهیان صحبت کردم خیلی از آنها گله

می‌کردند که چرا ما را تحویل نمی‌گیرند؟ باید بتوانیم از همه فکریهایمان استفاده کنیم، وزارت علوم خیلی وقت‌ها برای برنامه‌ریزی‌هایش با دانشگاه‌ها مشورت می‌کرد ولی اکنون از بالا ابلاغ می‌شود که دستورات را انجام دهند.

توجهی که به ورزش می‌شود به علم نمی‌شود
*آیا برای تسریع تولید علم در جامعه باید از ابزارهای بیشتری نیز استفاده شود و شرایط این سرعت بخشی چگونه مهیا می‌شود؟

ابتدا بیاییم بررسی کنیم که زمینه مناسب تولید علم بیشتر در دانشگاه‌ها چگونه مطرح می‌شود، به دانشجویان تفهیم کنیم که برای نیاز این کشور درس می‌خواند خیلی از دانشجویان نخستین تصمیمشان از تحصیل این است که به خارج از کشور بروند اگر واقعی بگیریم خیلی از اینها که به خارج برای تحصیل می‌روند، هرگز باز نمی‌گردند افراد خوبی هم که باز می‌گردند باید مدت‌ها منتظر بمانند تا در یک دانشگاه ایران مورد پذیرش قرار بگیرند. این تحقیقات باید آزادانه و بی‌غرض صورت گیرد و دولت باید بیش از حدی که اکنون به دانشگاه‌ها اهمیت می‌دهد، توجه کند. اگر توجهی که به حوزه‌هایی چون ورزش می‌شد به علم هم می‌شد، وضع ما بهتر از این بود.

***با توجه به اینکه باید مشکلات را از خود مراکز اجرایی و عملیاتی رفع کرد یکی از نقدهایی که به خود شورا مطرح شده این است که برخی اعضای شورا خود در جلسات حضور نمی‌یابند. این نقد چطور وارد است؟**

البته حضور اعضا و فعالیت یک تکلیف شرعی است و همه باید حاضر باشند اما عده‌ای هم که نیستند شاید احساسشان این است که کارآمدی شورا باید بیش از اینها باشد و شاید تصور می‌کنند که آن اندازه که باید تصمیمات شورا عملیاتی نمی‌شود و این نقطه ضعف است، باید نظارتی شود که چقدر تصمیمات شورا عملیاتی می‌شود.

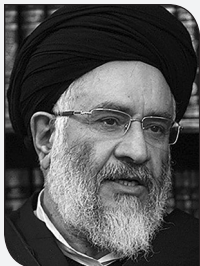
متأسفانه کیفیت علم برایمان مهم نیست
*استاد اینطور عنوان می‌شود که برخی اعضای قدیمی و با سابقه شورا، تا حدودی در نگاه و فعالیت دارای دیدگاه غربی هستند. چقدر این ارزیابی درست است؟ آیا با پارچه غربی می‌شود آینه شرقی را تمیز کرد؟

متأسفانه غربزدگی محیط ما را در بر گرفته و در این شکی نیست باید این را از جای دیگری اصلاح کرد و از سطح دبستان و دبیرستان فرهنگ غنی را تزییق کرد تا همه واکنسینه شوند بنابراین افراد واکنسینه شده با هر فرهنگی که روبه رو شوند، برایشان مسئله‌ای نیست و تأثیر نمی‌پذیرند. بنده مشاهده کردم افرادی را که در خانواده‌های اصیل تربیت می‌شوند فرهنگ غرب را هم مطالعه و حتی در غرب حضور هم می‌یابند اما متأثر نمی‌شوند اما به کرات هم دیده‌ام افراد فارغ التحصیل دانشگاهی که فرهنگ عمومی‌اش اندازه نگارش یک انشاء هم نیست، حتی نمی‌تواند از شخصیت‌های بزرگ گذشته نام ببرد، این چیزها بررسی می‌خواهد ما واقعا چه کار می‌کنیم؟ کشورهای دیگر که در سطح ما بوده و جلوتر رفته‌اند باید بررسی کنیم که چگونه هویت ملی و دینی خودشان را حفظ کردند، متأسفانه ما اینها را رعایت نکردیم و ندای علم هم سر می‌دهیم ولی در عمل کیفیت علم برایمان مهم نیست.

لزوم تشکیل جلسات مشترک شورای عالی انقلاب فرهنگی و دانشگاهیان
*نکته پایانی؟

نکته اول از سطحی‌نگری خارج شویم، نکته دوم شورای عالی انقلاب فرهنگی با دانشگاهیان و عده‌ای خبرگان آنها جلسه بگذار، صحبت کند و سمینار و نقد و بررسی برگزار کند، یک سری نکات اصیل فراموش شده در این جلسات مشخص می‌شود، مسئولان گاهی تصور می‌کنند که همه چیز درست است و برنامه‌ریزی می‌کنند، درحالی که ابزار اجرایی ندارد. بنابراین ابتدا باید ابزار اجرا فراهم شود و بعد برنامه ریخته شود تا مشکلات به امید خدا رفع شود.

اهدای جایزه ویژه جشنواره کتاب سال محیط زیست به آیت الله محقق داماد



کتاب «الهیات و محیط زیست» نوشته استاد محقق داماد، در نخستین جشنواره کتاب سال محیط زیست، جایزه ویژه را از آن خود کرد. سازمان حفاظت محیط زیست کشور به پاس خدمات فرهنگی

قابل توجه استاد آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق احمدآبادی معروف به محقق داماد در تألیف کتابهایی که بین موازین محیط زیستی و آموزه های دینی پیوند برقرار می کنند، جایزه ویژه نخستین دوره انتخاب کتاب سال محیط زیست را به وی اهدا کرد.

آیت الله محقق داماد، استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، استاد دانشگاه شهید مطهری، عضو فرهنگستان علوم و استاد کرسی فقه و حقوق و فلسفه است.

مجموعه چهار جلدی «قواعد فقه»، مجموعه سه جلدی «اصول فقه»، «حقوق خانواده»، «تحلیل فقهی وصیت»، «تحلیل فقهی اخذ به شفعه»، «تحلیل فقهی احتکار»، ترجمه «مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی»، ترجمه «حقوق بین المللی عمومی اسلامی»، ترجمه «سیر فلسفه در جهان اسلام» و انتشار ۳۰ مقاله در رشته های فلسفه، دین و حقوق از آثار استاد محقق داماد است.

نخستین جشنواره کتاب سال محیط زیست، (۲۵ آبان ماه) با حضور سیدعباس صالحی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معصومه ابتکار، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در سالن همایش های سازمان محیط زیست واقع در پارک پردیسان برگزار شد.

دیگر از سخنرانان این آیین بود. او در بخشی از سخنرانی خود گفت: کتاب خدا قرآن به ما آموخته است که برای استقامت در مسیر حق باید مشی اعتدال را داشت. بر این اساس در توصیف آیت الله تسخیری فقط یک لغت می توان گفت و آن هم همین واژه «اعتدال» است و ایشان این مفهوم را از کتاب خدا آموخته است.

وی افزود: آیت الله تسخیری همیشه در مسیر اعتدال قرار داشته و دارد. لازمه پایداری بر حق و اصول، اعتدال است و لازمه اعتدال علم، با رفتن مدام در مسیر اعتدال است که می توان در عین پایداری بر اصول و عقاید شیعی، عملکرد تقریبی داشت.

نهادنویان با اشاره به ویژگی آیت الله تسخیری در جذب افراد مختلف گفت: آیت الله تسخیری با پیمودن مسیر اعتدال کسانی را جذب کرد که وجوه افتراق بسیاری با آنها داشت.

وی افزود: در پشت جریان های تکفیری که امروز مشغول زخم زدن به جهان اسلام هستند، ضدیت با اعتدال وجود دارد. آنچه جامعه جهانی از ما انتظار دارد، اعتدال، عقلانیت و تأکید بر نکات مشترک است.

مجموعه سه جلدی «ارج نامه آیت الله تسخیری» شامل کتاب های «اندیشه نامه آیت الله محمدعلی تسخیری» به کوشش عبدالمجید میردامادی، «راهنامه و مرامنامه: مروری بر زندگی، مبارزات و خدمات علامه آیت الله محمدعلی تسخیری» به کوشش عباس آریا زند و «درخشش اندیشه و جوشش آگاهی» به کوشش محمدرضا شکیبا و محمود واعظی است. گروه انتشاراتی الهدی، ناشر این کتاب هاست.

برگزاری آیین رونمایی از مجموعه کتاب های «ارج نامه آیت الله محمدعلی تسخیری»

آیت الله تسخیری، زبان گویای فرهنگ ایرانی و مکتب تشیع در مجامع جهانی است

به عنوان یک متکلم شیعی فعال بسیار آموخته است. آشنا همچنین اظهار کرد: آیت الله تسخیری به ما اعتدال و مدارا با دیگران را آموخت. او به ما یاد داد تا به سخنان دیگران گوش کنیم تا آن ها نیز به سخنان ما گوش کنند. ایشان یک اندیشمند مشهور جهانی، اما غریب در ایران است. امروزه جامعه ما بسیار نیازمند اندیشه های آیت الله تسخیری و نیازمند اعتدال است.



درس آیت الله تسخیری متفاوت بود

حسام الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس جمهور، در این مراسم گفت: سال ها پیش افتخار شاگردی آیت الله تسخیری را در درس «اصول فقه مقارن» داشتم. برخی از استادان حوزوی در کلاس ها و جلسات درس، ابتدا متن و یا کتاب ها را از رو خوانده و در ادامه آن را شرح می دهند. عده ای دیگر از استادان نیز پیش تر متون را می خوانند و در سر کلاس مباحث خود را با آن متن از



پیش مطالعه شده تطبیق می کنند.

وی افزود: تعداد اندکی از استادان حوزوی نیز هستند که برای تدریس احتیاجی به متون ندارند و پایان درس آن ها، آغاز تفکر برای شاگردان و طلاب است. بر این اساس این استادان حجم بالایی از متون را در درس خود ارائه می کنند و متن در درون آنها جاری است. آیت الله تسخیری یکی از این استادان است.

اعتبار آیت الله تسخیری در مجامع فرهنگی جهان

ابوذر ابراهیمی ترکمان، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و محمود واعظی، مشاور این سازمان، نیز دیگر سخنرانان این آیین بودند. ابراهیمی ترکمان در بخشی از سخنرانی خود با اشاره به اعتبار بسیار آیت الله تسخیری در مجامع فرهنگی جهانی گفت: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در پیگیری وظایف خود در خارج از کشور با مشکلات گوناگونی مواجه شده و می شود. ما در این مدت فعالیت، در هر مجمعی در جهان که با مشکل مواجه می شدیم، نام آیت الله تسخیری را می آوردیم و مسئولان مجامع با شنیدن نام ایشان، مشکلات ما را حل می کردند.

وی افزود: رگ و ریشه آیت الله تسخیری پر از باده عشق به اهل بیت، فقه اسلامی، علوم دینی و عرفان است. ایشان شاگرد مرحوم آیت الله صدر بود و از علم و اخلاق این دانشمند فقید استفاده بسیار کرده اند. اصولا یکی از ویژگی های شخصیتی آیت الله تسخیری در این است که بسیاری از شخصیت های زلال اسلامی را دیده

آیین رونمایی از مجموعه کتاب های «ارج نامه آیت الله محمدعلی تسخیری ۱۹ آبان (۱۳۹۳) با حضور و سخنرانی علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد نهبوندیان، رئیس دفتر رئیس جمهور، حسام الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس جمهور، ابوذر ابراهیمی ترکمان، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و محمود واعظی، مشاور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در حسینیه الزهرا (س) سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد.

آیت الله محمدعلی تسخیری در این مراسم گفت: در سال های پیش از انقلاب اسلامی من فعالیت های برون مرزی، تدریس و تألیف کتاب داشتم، اما همین جا عرض می کنم که تمامی این فعالیت ها را خاک سپاری کردم. فعالیت های ما در سال های پس از انقلاب، به هیچ عنوان قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. زمانی که انقلاب پیروز شد ما به جای فانوس به یک آفتاب عظیم رسیدیم.

وی افزود: انقلاب اسلامی ما را از نو زنده و افق عظیمی برای فعالیت های ما باز کرد. من اگر در سطح دنیای اسلام و یا سطح جهانی حرکتی کردم، همه به برکت انقلاب اسلامی و خون شهدا بوده است. من افتخار می کنم و خدا را شکر می گویم که در حدود ۳۰ سال نماینده همه حوزه های شیعی در مجامع جهانی بودم.

پول برای تهیه کتاب نداشتیم

آیت الله تسخیری در ادامه سخنرانی خود به مقایسه برخی فعالیت های خود در قبل و پس از انقلاب پرداخت و گفت: ما در سال های پیش از انقلاب در قم نشریه ای داشتیم. به نشانی این نشریه نامه های زیادی مبنی بر درخواست کتاب، از سراسر کشور، می رسید، اما ما پول برای خرید و ارسال این کتاب های درخواستی نداشتیم. گاهی انسان خبری می آمد و مثلاً مبلغ دو هزار تومان به ما پول می داد تا بتوانیم برای مناطق محروم کشور در آن زمان کتاب های علوم دینی و شرعی بفرستیم و این مواقع برای ما عید بود.

وی افزود: در سال های خدمت من در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، روزی نامه ای از رئیس جمهور وقت اندونی رسید که در آن از ما مجموعه ارزشمند «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی را درخواست کرده بود. پیش تر بسیاری از مؤسسات اندونی نیز از ما چنین درخواست هایی داشتند. ما توانستیم برای این کشور هزار دوره از «المیزان» را با چاپ افست، بفرستیم. همچنین دوره آثار شهید آیت الله مطهری را نیز برای بسیاری از کشورها فرستادیم.

دبیر پیشین مجمع تقریب مذاهب اسلامی همچنین اظهار کرد: به برکت انقلاب اسلامی اکنون عموم کتابخانه های جهان صاحب کتاب های شیعی شدند. همچنین انقلاب باعث شد تا ما در تأسیس حدود ۱۰ سازمان بین المللی از جمله «مجمع الفقه الاسلامی» در کشور عربستان، سهم عمده ای داشته باشیم.

متکلم مشهور جهانی اما غریب در ایران

حسام الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس جمهور، نیز در این مراسم گفت: آیت الله تسخیری یک متکلم مشهور جهانی است. امروزه متکلم بودن در جهان بسیار دشوار است، چراکه رقابت های کلامی بسیار مهم تر و در عین حال بیشتر از رقابت های سیاسی و اقتصادی است.

وی افزود: در گفت و گوهای کلامی، متکلم نه یک دولت و یا یک حکومت، که یک امت را نمایندگی می کند و تنها سلاحش علم منطق و دانش های خودش است. برای این گفت و گوها باید آداب بحث را دانست. متکلمین در طول گفت و گوهای خود به همدیگر می آموزند و آیت الله تسخیری در طول زندگی خود

اعتدال را کتاب خدا به ما آموخته است
محمد نهبوندیان، رئیس دفتر رئیس جمهور، یکی

ادامه از صفحه قبل

... در مورد گرفتاری هم، درواقع مطلب همان‌طور است که سرهنگ پژمان نوشته است. روزی یک نفر به من تلفن زد که از دوستان فرزندم بوده و می‌خواهد مرا ببیند! ما هم گفتیم درب خانه ما باز است اهلا و سهلا... وقتی او آمد، خود را سروان یا سرگرد معرفی کرد و ما هم چیزی نگفتیم. او آمد و نشست و مأموریت خود را بیان کرد و گفت که بدون سر و صدا باید برویم! و بعد کتاب و ترجمه را که روی میز من بود، برداشت و در کیف خود جای داد و ما را هم با خود برد، توکل بر خدا کردیم و راه افتادیم. ما را به ساختمانی برد و نشستیم به گفتگو...

البته من نمی‌دانستم که محل بازجویی من کجاست؟ احترام ظاهر را حفظ کرد و آدم مؤدبی بود، اما معلوم نبود که اگر دستور دیگری از بالا می‌رسید، وضع چگونه می‌شد و ادب و احترام کجا می‌رفت؟

بازجویی که تمام شد، ما را ول نکردند و شب نگه داشتند و همانجا خوابیدم، البته گاهی هم با او شوخی می‌کردم، مثلاً می‌گفتم: دماغ شما چطور؟ چاق است! یامی گفتیم: یک سیگاری بشکشد بی ضرر نیست!... از این شوخی‌های عادی خودمان، تا خیال نکند که حالا ما ترسیده‌ایم یا چیز دیگر!

اما اینکه او می‌گوید ما عارف بودیم... البته ادعایی نداشتیم و خود را هم عارف نمی‌دانیم، ولی اغلب اینها از بس با خودشان بیگانه‌اند و از رؤسایشان تبختر و پز دیده‌اند، وقتی با یک طلبه‌ی لاقیابی مثل من روبه‌رو می‌شوند و دو کلمه هم حرف حق می‌شنوند، روحشان تکانی می‌خورد و یاد عارف و عرفان می‌افتند.

در مورد مطالب آخر، البته من یادم نمی‌آید که تعهدی سپرده باشم، ولی گفتند که شما ترجمه کتاب را تمام کنید و به ما بدهید تا ما زودتر اجازه نشر آن را از اداره فرهنگ بگیریم چون با جوی که درباره کتاب درست شده است، به شما اجازه نشر نخواهند داد، بعد که ترجمه تمام شد،

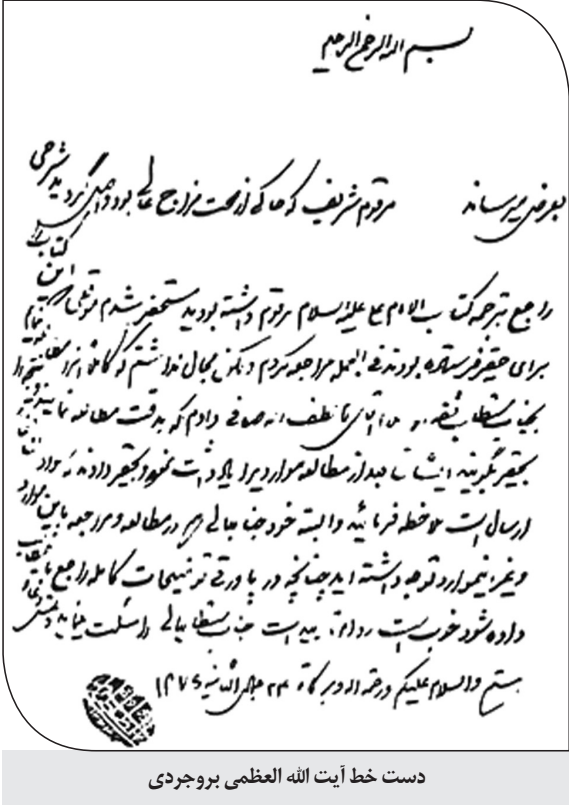
مراسم رونمایی از کتاب «احسن القصص» تألیف استاد حاج سید ابوالفضل مولانا از شخصیت‌های دینی تبریز، با حضور آیت‌الله کریمی جهرمی در محل بنیاد فرهنگی و خبریه نیمه شعبان مسجد آیت‌اله انگجی تبریز برگزار شد.

در آغاز این مراسم معنوی و پس از تلاوت قرآن کریم، ابتدا محمد طاهری خسروشاهی، از پژوهشگران دانشگاه تبریز به بیان جایگاه معنوی مؤلف محترم کتاب پرداخت و طی سخنانی گفت: استاد حاج سید ابوالفضل مولانا؛ پیر صاحب‌دلی است که با رشحات قلمی و انفاص خجسته کلامی خویش، مشتاقان را به تماشای باغ سبز عشق می‌برد و قصه‌ها از شوریدگانی می‌گوید که به دیدار کُهِف امان و مونس جان عاشقان، مولانا صاحب‌الزمان (عج) راه یافته‌اند. او مردی است که ما را در تماشای آسمان جان، اسطرلابی به آئین تدارک دیده و در عین حال، انسان و جهان و حرمت او را نیز از یاد نبرده، با ما سخن از بندگی برای خدا می‌گوید و به تفرّج در هوای عشق به مولا و مقتدایمان فرا می‌خواند.

طاهری با اشاره به اهمیت خاندان مولانا و شرح حال مؤلف کتاب گفت: جناب استاد، سیزدهم ربیع الاول ۱۳۴۸ قمری برابر با ۲۸ مرداد ماه ۱۳۰۸ خورشیدی در خاندان نورانی آل مولانا در بیت فقید سعید آیت‌الله حاج سید علی مولانا فرزند آیت‌الله سید محمد مولانای تبریزی چشم به جهان گشود. وی از نسل هارون بن موسی بن جعفر علیهما‌السلام و از اخفاد شیخ قاسم انوار تبریزی رحمه‌الله علیه می‌باشد. اجدادش همه از بزرگان علمها و مرجع احکام و فتاوی، محقق، مدقّق، فقیه، اصولی و رجالی بوده‌اند و در حسن خلق و اوصاف پسندیده، معروف.

وی افزود: رشحات قلمی این پیر صاحب‌دل که اینک در قالب کتاب ارزشمند «احسن القصص» حلیه انتشار بر تن می‌نماید، خود‌اندکی از میراث حیرت‌آور و غبطه‌انگیز او که به گمان این حقیر بارزترین وجه شخصیت مؤثرش، حیات طیبیه اوست که برتر از هر اثری و کتابی است.

آن را از من گرفتند تا پس از یک هفته تحویل دهند! مدتی گذشت و خبری نشد. سرانجام من زنگ زدَم که آقا کتاب چی شد؟ اجازه چطور شد؟ پاسخ دادند که بررسی تمام نشده، هر وقت تمام شد خودمان خبر می‌دهیم... و هیچوقت هم البته خبر ندادند و من هم علاقه نداشتم که با اینها تماس بگیرم و به هر حال اصل ترجمه‌ما



دست خط آیت‌الله العظمی بروجردی

از بین رفت و یا اینکه در پرونده من در اسناد ساواک موجود است و اگر زحمتی نیست و مقدورات هست از این آقایان بپرسید، اگر ترجمه آنجا باشد به ما پس بدهند، یک مروری بکنیم و چاپ شود. چون ترجمه به دستور آیت‌الله بروجردی بود و من هم خیلی دقت کردم که خوب ترجمه شود و توضیحات لازمی را در پاره‌ای موارد، در پاورقیها

رونمایی از کتاب

در ادامه دکتر علی اکبر صفی پور مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی با اشاره به جایگاه کتاب و نقش آن در توسعهٔ فرهنگی جوامع اظهار داشت: یکی از زیباترین لحظه‌ها در دوران مسئولیت حضور در محافلی است که به نام کتاب برگزار می‌شود. کتاب نتیجه یک عمر تلاش و کوشش انسان بزرگی است که حاصل عمر خود را در قالب یک اثر مکتوب ریخته و آن را با هدف گسترش دانش و فرهنگ در جامعه عرضه می‌نماید.

وی افزود: دانش بشری موجود در فضای جهان اسلام به این افتخار می‌کند که بهترین کتابخانه‌ها و برترین مؤلفان متعلق به عالم اسلام و به ویژه جهان تشیع است. صفی پور با اشاره به پیشینهٔ برجسته تبریز در تولید کتاب و راه‌اندازی کتابخانه گفت: یکی از کهن‌ترین خانواده‌ها در این منطقه، «خاندان مولانا»ست که نسل اندر نسل، چراغ دانش و دین را در این خطه از ایران اسلامی روشن نگه داشته‌اند.

وی گفت: کتاب «احسن القصص» در حوزهٔ دین باوری و گسترش اندیشه‌های ناب شیعی، جوانان استان را در انتخاب راه روشن آینده بر مبنای اعتقادات مذهبی، مساعدت خواهد کرد.

آیت‌الله کریمی جهرمی نیز ضمن قدردانی از میهمان نوازی مردم تبریز، از حضور در محفل رونمایی از کتاب «احسن القصص» ابراز خرسندی نمود. وی با نقل ماجرای از حضرت زهرا (سلام الله علیها) گفت: این بانوی مکرم اسلام در ایام حضور در محضر پیامبر برخی مطالب ارزشمند دینی را از زبان ایشان در کتابچه‌های ثبت و ضبط می‌نمود. پس از وفات غمبار پیامبر، فرشته‌های آسمانی جهت تسلای قلب ایشان، مطالبی دیگر را هم خطاب به حضرت زهرا (س) می‌گفت و ایشان در حضور امام علی (ع) اقدام به یادداشت آن مطالب می‌کردند و بدین سان کتاب ارزشمند «صحیفه

به‌طور مشروح طبق نظر مرحوم آقا، بر آن افزودم. (این موضوع را در نامه دوم اشاره فرمودند که من عین نامه را به شما می‌دهم) متأسفانه غفلت شد و نسخه‌ای فتوکپی از کتاب برنداشتیم و به‌هر حال به‌ظاهر زحمت ما هدر رفت، اما شما بعداً با ترجمه هر پنج جلد کتاب جرداق، در واقع خدمت را تمام و کمال انجام دادید و من خیلی خوشحال شدم. خداوند به شما پاداش دهد.»

بسم‌الله الرحمن الرحیم

به عرض می‌رساند مرقوم شریف که حاکمی از صحت مزاج عالی بود واصل گردید. شرحی راجع به ترجمه کتاب الامام علی علیه‌السلام مرقوم داشته بودید مستحضر شدم. موقی که این کتاب را برای حقیر فرستاده بودند فی‌الجمله مراجعه کردم ولکن مجال نداشتم که کاملاً آن را مطالعه بنمایم. به جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای آقا لطف‌الله صافی (۲) دادم که به دقت مطالعه نمایند و نتیجه را به حقیر بگویند. ایشان بعد از مطالعه مواردی را یادداشت نموده و به حقیر دادند که سواد آن لفا ارسال است ملاحظه فرمایید.

و البته خود جنابعالی هم در مطالعه و مراجعه باین موارد و غیر این موارد توجه داشته‌اید. چنانچه در پاورقی توضیحات کامله راجع به این مطالب داده شود خوب است.

دوام تاییدات جناب مستطاب‌عالی را مسئلت می‌نماید. و ملتص دعا هستم.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته
بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۷۶
حسین الطباطبایی

نامه دوم آیت‌الله بروجردی، به استاد صدر بلاغی

*** به نظر شما چرا چنین کردند؟ آیا واقعاً یک کتاب برای رژیم اینقدر خطرناک بود که خود شاه رسماً در امر آن دخالت کند؟**

ببینید رژیم شاه فرهنگ شناس نبود و اصولاً هر نظام استبدادی – سلطنتی، به تعبیر قرآن مجید اهل فساد است نه اهل صلاح و اصلاح. فرض کنیم که محتوای کتاب، گرایش سوسیالیستی هم داشت؛ به نظر من حق

رونمایی از کتاب «احسن القصص»

فاطمه» شکل گرفت.

وی افزود: روزی حضرت زهرا بسته‌ای مکتوم و سر به مهر به خادمه اش جناب فضّه سپرد و درخواست نمود که از آن به شدت مراقبت نماید. مدتی بعد که حضرت خواستار آن بسته شد، فضه متوجه گردید که ظاهراً بستهٔ مذکور گم شده است. حضرت نگران شد و فرمود: «فأنّھا اعزّ عندی من الحسن و الحسین». آن بسته در نزد من گرامیتر از حسن و حسین (علیهما السلام) است.

آیت‌الله کریمی جهرمی سپس گفت: بنده چنین تعبیر شگفت‌انگیزی در طول تاریخ دربارهٔ کتاب ندیده‌ام که کسی بگوید فلان کتاب از جان فرزندانم نیز در نزد من ارزشمندتر است.

وی چنین ادامه داد: سرانجام فضّه پس از تفحص بسیار وقتی بسته را پیدا کرد آن را نزد حضرت زهرا آورد و متوجه شد که حضرت، سخنانی را که از پیامبر اسلام و بعدها از زبان آن فرشتهٔ مقرب می‌شنیده‌اند در میان سطور آن صحیفه یادداشت می‌فرموده‌اند. از جمله احادیثی که حضرت در آن صحیفه یادداشت نموده بودند این بود که: «کسی که همسایگان از شرّ او در امان نباشند، مؤمن نیست»: حدیث دیگری که در آن صحیفه درج بود چنین بود: «خداوند کسی را که زبان فحش دهنده‌ای دارد، دوست نمی‌گیرد».

آیت‌الله کریمی جهرمی افزود: بر اساس شواهد و قرائن، حضرت زهرا مطالبی اخلاقی و اجتماعی را در این صحیفه یادداشت کرده‌اند و این کتب، تنها شامل مباحث دینی و اعتقادی صرف نمی‌باشد.

استاد برجستهٔ حوزه علمیه قم گفت: کتاب تنها مایهٔ سرگرمی نیست و باید در متن زندگی مردم در جریان باشد.

وی با توصیه به مؤلفان و صاحبان آثار گفت: در تألیف هر اثری ابتدا رضایت خداوند را در نظر بگیرید و سپس

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی

شماره ۱۶ شماره مسلسل ۱۴۸۶ یادمان نیمه دوم آبان ۱۳۹۳ پست الکترونیک: besatonline@gmail.com	پشت ۵
--	--------------

آن بود که برای روشن شدن اندیشه‌ها، آن را منتشر سازیم... اینها از این کتاب جلوگیری کردند و نسخه ترجمه مرا دزدیدند، اما کتابهای لنین، مارکس و مائو در خارج چاپ می‌شد و به‌طور رایگان در اختیار جوانان ما قرار می‌گرفت و به‌هر حال در قرن بیستم و در آستانه تمدن بزرگ! ضبط و توقیف یک کتاب، واقعا نشان دهنده اوج حماقت و ضدفرهنگ بودن یک رژیم بود...***

... بدین ترتیب متأسفانه تنها نسخه ترجمه شده از کتاب یک جلدی الامام علی (علیه‌السلام)، که با تأیید و توصیه مرحوم آیه‌الله بروجردی انجام یافته بود، و طبق نظریه ایشان، توضیحاتی نیز در موارد لازم، در پاورقیها، بر آن افزوده شده بود، مفقود گردید... اما ترجمه کتاب متوقف نشد و به یاری خدا اینجانب هر پنج جلد الامام علی را، که درواقع متن کامل و مشروح کتاب بود، ترجمه کردم که به ضمیمه توضیحات و پاورقیها، در موارد و مورد نیاز، بارها در قم و تهران چاپ و در سراسر ایران منتشر شده است. جرج جرداق که ۱۸ سال پیش به ایران آمد، از من تشکر کرد و خواستار چاپ کتاب در دو نوع بود، چاپی با کاغذی معمولی و قیمت ارزان، برای جوانان و دانشجویان و طبقه کارگر و چاپی فاخر و با کاغذ عالی، برای کسانی که خیلی اهل کتاب و مطالعه نیستند ولی اگر کتاب فاخری بدستشان برسد، انگیزه‌ای برای مطالعه ایجاد می‌شود وشاید همین امر، تلنگری برای وجدان آنها باشد و به راه و روش علی (علیه‌السلام) بپیوندند...

پاورقی:

- سرهنگ پژمان، اسرار قتل و زندگی سیهید تیمور بختیار، چاپ دوم، پاریس ۱۳۷۰، ص ۵۲ – ۵۹.
- حضرت آیه‌الله صافی گلپایگانی هم اکنون یکی از مراجع مورد احترام در حوزه علمیه قم می‌باشند.

 	تربیت انسان را سرلوحه و هدف کار خود قرار دهید.
 	آیت الله کریمی جهرمی گفت: برخی ازمؤلفان متأسفانه فقط به ظواهر کتاب توجه می‌کنند؛ مبدا این توجه احیاناً، موجب غفلت از مفاهیم و محتوای آثار بشود.
 	وی با اشاره به شخصیت معنوی مؤلف کتاب گفت: بنده آقای حاج سید ابوالفضل مولانا را از ده سال پیش می‌شناسم و هر گاه به تبریز می‌آیم، حضورشان را درک می‌کنم. دلدادگی ایشان به اهل بیت (ع) مشخص و انتساب خاندان مولانا به تقوا و پرهیزکاری مبرهن است. آیت اله کریمی گفت: از حضرت عیسی پرسیدند که با چه کسی همشین شویم و ایشان پاسخ داد: «من یدکر کم اله رویته»؛ با کسی که دیدار او، شما را به یاد خدا بیندازد. آقای مولانا هم اینگونه است. من هرگاه به چهره ایشان نگاه می‌کنم، به یاد خدا می‌افتم. ایشان دارای رقت قلب و صاحب دل شکسته‌ای هستند و خداوند می‌فرماید: «انا عند منکسرة القلوب».
 	این استاد حوزه در پایان به بیان اهمیت کتاب احسن القصص پرداخت و اظهار امیدواری کرد که محافل دینی و متولیان فرهنگی این استان، در زمینهٔ معرفی و شناساندن آن اثر، اهتمام ورزند.
 	در ادامه استاد سید ابوالفضل مولانا مؤلف کتاب طی سخنانی گفت: امیدوارم جامعهٔ فرهنگی ما به قلت بضاعت مؤلف این کتاب نگاه نکنند و با توجه به محتوای آن دربارهٔ این اثر اظهار نظر نمایند.
 	وی افزود: تألیف این کتاب با توسّل به حضرت صدیقه طاهره (س) در رمضان سال ۱۳۹۰ خورشیدی آغاز شد و با همت و توجه این بانوی بزرگ هم به پایان رسید.
 	استاد مولانا با قدردانی از دست اندرکاران انتشارات نور ولایت و همه کسانی که در نشر این اثر مشارکت داشته‌اند گفت: امیدوارم خداوند این اثر را به فضل و کرم خویش قبول نماید و آن را به عنوان ذخیرهٔ آخرت برای مؤلف قلمداد فرماید.

جرداق، علی(ع) را بزرگمردی می داند که نمی توان او را محدود و محصور به یک وطن خاص دانست و برای توضیح آنچه می گوید به فیلسوف شهیدی اشاره می کند که وجهه یی جهانی دارد. جرداق علی(ع) و سقراط را ابرمردانی می داند که خورشید وجودشان نه تنها به سرزمین حجاز و آن بلکه گرمابخش تمام سرزمین های دیگر از هر قوم و نژاد و آیین است.

جرج جرداق «الامام علی: صوت العدالة الانسانیة» را بیش از ۴۰ سال پیش نوشت و چند سالی طول کشید تا ترجمه کاملی از این کتاب عربی در ایران به چاپ برسد. اول بار مرحوم صدر بلاغی اقدام به ترجمه کتاب کرد اما

ترجمه اش به چاپ نرسید و اثر جرداق بار دیگر توسط ابولحسن شعرانی ترجمه شد. اما سید هادی خسروشاهی، سومین مترجم «امام علی صدای عدالت انسانی» کامل ترین ترجمه از این کتاب را ارائه کرد. خسروشاهی این کتاب را سال ۴۲، چند سال پس از انتشار آن در بیروت به چاپ رساند. با او به گفت و گو نشستیم تا از نحوه آشنایی اش با اثر جرداق و فراز و نشیب های ترجمه و چاپ کتاب بگویند. خسروشاهی از مخالفت های رژیم سابق و همچنین برخی علما با انتشار این کتاب می گوید و این مخالفت ها را مساله یی همیشگی در جامعه و نه مختص کتاب جرج جرداق، معرفی می کند.

به باور او اصلی ترین موضوع مطرح در این کتاب، قسط و عدل است و گسترش این آرمان در میان جوامع بشری مهم ترین دغدغه جرداق

در تمام عمر بوده است. خسروشاهی اشاره یی هم به همزیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان در لبنان می کند و روابط حسنه جرداق با شیعیان لبنان را حاصل همین اصل در زندگی لبنانی ها می داند. به گفته او جرج جرداق هیچگاه آنطور که باید و شاید نه در ایران و نه دیگر کشورها، مورد تجلیل قرار نگرفته و حتی پس از مرگ هم اندیشه اش همچنان مغفول مانده است.

زهرآ خندان

نحوه آشنایی شما با کتاب «امام علی: صدای عدالت انسانی» چطور بود و چه انگیزه یی باعث شد شروع به ترجمه این کتاب کنید؟

آشنایی من با کتاب «امام علی صدای عدالت انسانی» توسط مرحوم آیت الله سید رضا صدر (برادر بزرگ امام موسی صدر) از خبگان حوزه علمیه قم صورت گرفت. ایشان با توجه به ارتباطاتی که با بلاد عربی، به ویژه عراق و لبنان داشت، همواره کتاب های جدید را از دوستان خود دریافت می کرد و در واقع مرکز کتاب ها و منشورات جدید بلاد عربی بود.

روزی ایشان چاپ اول این کتاب را که در یک جلد انتشار یافته بود، به من دادند که مطالعه کنم و پیشنهاد کردند که اگر وقت و فرصت دارم آن را ترجمه کنم. در واقع توصیه کننده به ترجمه کتاب، مرحوم آیت الله سیدرضا صدر بود. من این کار را شروع کردم و در مواردی به علت سنگینی جملات و عبارات کتاب از ایشان استمداد می جستم که با فروتنی و سعه صدر و بردباری کمک می کردند.

این کتاب قبلاً توسط آقای صدر بلاغی هم ترجمه شده بود. با این وجود چه عاملی شما را به سمت ترجمه دوباره این کتاب سوق داد؟

مرحوم سید استاد صدرالدین بلاغی نسخه تک جلدی این کتاب را به توصیه مرحوم آیت الله بروجردی ترجمه کرد و متأسفانه رژیم ضد فرهنگ سابق نسخه خطی ترجمه را قبل از چاپ و نشر از کتابخانه ایشان ربود و به این ترتیب امکان چاپ و نشر آن از بین رفت. روی همین اصل من به ترجمه مجلدات پنجگانه و کامل کتاب پرداختم و البته با وجود تلاش ها که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای یافتن نسخه های ترجمه ایشان در میان اسناد ساواک به عمل آمد، متأسفانه این نسخه به دست نیامد و بدون تردید توسط ماموران ضد فرهنگ رژیم سابق نسخه ترجمه شده «محا» شده است.

«قسط و عدل» اصلی ترین دغدغه

گفت و گوی اعتماد با استاد خسروشاهی، مترجم: امام علی (ع) صدای عدالت انسانی

فخرالدین حجازی، محمدحسن رحیمیان و سیدرضا اکرمی و دیگران در آن مراسم حضور داشتند و از او تجلیل کردند... متأسفانه جرداق پس از درگذشت هم در رسانه های رسمی کشور مورد تجلیل و تقدیر، در سطح لازم قرار نگرفت و حتی برخی از جرائد نام او را به غلط «جرج سمان» نوشتند: در حالی که نام صحیح او «جرج سحمان جرداق» بود. سن او را هم ۸۳ سال نوشتند در صورتی که جرداق طبق نوشته خود به من، متولد ۱۹۲۶ میلادی بود که با محاسبه دقیق او در ۸۸ سالگی درگذشت.

در واقع رسانه ها به مقام ادبی، فرهنگی و تجلیل افکار و اندیشه های وی نپرداختند و اغلب به ذکر خبر درگذشت وی بسنده کردند. البته نهادهای مستقل و فرهنگی، می توانند در چهلمین روز درگذشت وی، مراسمی را در یکی از مراکز فرهنگی یا دانشگاهی برپا کنند و از اهالی ادب و فرهنگ، به ویژه هموطنان مسیحی دعوت کنند... دعوت از هموطنان مسیحی خود نوعی احترام به مقام علمی و فرهنگی جرداق و گامی در راستای احیای سنت همزیستی مسالمت آمیز با صاحبان ادیان و مذاهب دیگر خواهد بود.

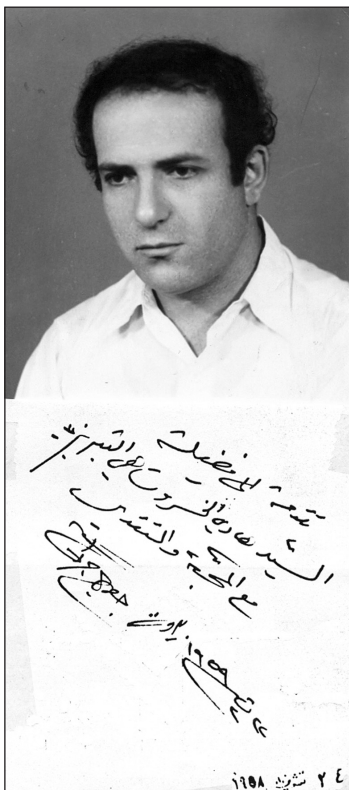
اصلی ترین مساله یی که در کتاب امام

علی(ع)، صدای عدالت انسانی با آن روبه رو

شدید چه بود و به نظر شما مهم ترین ویژگی

اثر جرداق چیست؟

اصلی ترین و مهم ترین مساله یی که دغدغه واقعی و دایمی جرج جرداق بود و تا آخر عمر نیز به آن اهمیت می داد، مساله قسط و عدل و گسترش آن میان همه افراد و جوامع بشری بود. پی گیری و استمرار تحقق این هدف آرزوی اصلی جرداق بود و شاید بتوان جرداق را در این زمینه با استاد بزرگوار حجت الحق محمدرضا حکیمی همپراز دانست چرا که استاد حکیمی نیز همه جا و همه وقت در فکر نشر اندیشه ضرورت بسط و تحقق بخشیدن به «قسط و عدل» در جامعه بوده و هست و اغلب آثار او نیز در تبیین این دو مفهوم اصیل قرآنی است. و آخرین اثر وی: «منهای فقر» هم در همین راستا منتشر شده و نام کتاب گویای محتوای آن است...



تصویر اهدایی جرج جرداق به استاد خسروشاهی

چه خاطراتی از جرج جرداق دارید؟

دیدارهای مکرر، در بیروت و تهران، و مکاتبات متعددی از بیش از نیم قرن پیش با جرج جرداق داشتم که طبعاً همراه با خاطرات گوناگون و مفیدی است ولی ذکر و نقل آنها نیاز به فرصت و وقت بیشتری دارد که امیدوارم این فرصت، روزی به دست آید. انشاءالله

نقل از روزنامه «اعتماد» مورخ ۹۳/۸/۲۴، ص ۸

مارکس و لنین در آثار خود از عدالت اجتماعی و حقوق طبقه رنجبر و زحمتکش سخن نمی گویند؟ پس چرا انسانی اگر کمونیست باشد، به مبانی فکری ایدئولوژی مورد قبول خود ترجمه و اعتنا نکند و به نشر اندیشه یک رهبر مذهبی در این زمینه ها بپردازد؟

از آثار جرداق این طور به نظر می رسد که او دغدغه های سوسیالیستی داشته، نظر شما در این رابطه چیست؟ آیا این برداشت صحیح است؟

استفاده جرج جرداق در تشریح و تبیین بعضی از مبانی عدالتخواهانه امام علی (ع) از کلمه اشتراکیت - سوسیالیسم - این شبهه را به وجود آورد که جرج جرداق گرایش سوسیالیستی دارد. اینجا باید از مخالفین پرسید که این گرایش اگر با استناد به مبانی فکری شخصیتی چون امام علی (ع) باشد، چه عیبی دارد؟ مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء از مراجع عظام نجف اشرف در مقاله یی مبسوط تحت عنوان «اشتراکیه الاسلام» به شرح نوع سوسیالیسم اسلامی می پردازد و زنده یاد دکتر مصطفی السباعی از رهبران فکری اخوان المسلمین در منطقه شامات، کتابی تحت عنوان: «الاشتراکیه فی الاسلام» دارد که مبانی سوسیالیسم را بر مبنای اسلامی تطبیق می دهد و تضادی بین آن دو نمی بیند. به هر حال جرج جرداق یک مسیحی بود و اگر گرایش سوسیالیستی هم داشت، به نظر من لطمه یی به اهمیت فرهنگنامه علی (ع) نمی زند.

چه شناختی از ویژگی های شخصیتی آقای جرداق دارید؟ آیا او به گروه سیاسی خاصی از جمله گروه های سیاسی شیعی منطقه نزدیک بود؟

جرج جرداق فردی مستقل - البته عرب و مسیحی - بود و به طور طبیعی با بعضی گروه های سیاسی در لبنان دوستی و ارتباط داشت ولی عضو رسمی هیچ حزب و گروه سیاسی نبود. جرداق پس از تألیف فرهنگنامه امام علی (ع) در پنج جلد، همواره مورد احترام و تقدیر جامعه شیعه، چه در لبنان و چه در بلاد عربی و اسلامی دیگر بود و البته روابط حسنه یی هم با شیعیان کشور خود در لبنان داشت. به ویژه اینکه برادران شیعی ما در لبنان خود به ضرورت همزیستی مسالمت آمیز توأم با محبت و احترام به اصحاب همه مذاهب، از جمله مسیحیان به عنوان یک ارزش اسلامی و اقدامی مثبت در پیشرفت جامعه نگاه می کنند و به جد و از روی عقیده و ایمان با این روش زندگی می کنند.

آیا در طول سه دهه گذشته در ایران یا لبنان و دیگر کشورهای عربی از ایشان تجلیل به عمل آمده است؟

متأسفانه در دهه های گذشته مراسم تجلیل و تقدیری که هم طراز شأن و منزلت جرج جرداق باشد، در بلاد عربی و دیگر کشورها برگزار نشد و البته خود آقای جرج جرداق هم علاقه یی به مسافرت به کشورهای مختلف نداشت و به علت «بروفویا» و ترس از هواپیما حاضر نبود به کشورهای دیگر برود و با وجود دعوت من و دوستان دیگر، در این مدت زمان طولانی به ایران هم سفر نکرد. فقط یک بار به دعوت حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی، چند سال قبل به ایران آمد و شرط کرده بود که با اتومبیل به ایران بیاید و وابستگی فرهنگی وقت، جناب حجت الاسلام محمد سالار، او را با اتومبیل از راه سوریه و ترکیه به ایران آورد. یکی دو جلسه بزرگداشت برای او برگزار شد و البته خود جرداق اصولاً علاقه یی به این قبیل مراسم نداشت.

در این سفر از سوی بنیاد نهج البلاغه هم مراسم ویژه یی به افتخار او در میهمانسرای نیاوران برگزار شد که عده یی از شخصیت های برجسته مانند آقایان علامه محمدتقی جعفری، دکتر سیدجعفر شهیدی، شهید آیت الله سیدمحمد باقر حکیم، دکتر دینانی، سیدمحمد دعایی، مسیح مهاجری، دکتر رشاد، سید جمال الدین دین پرور،

نظر آیت الله بروجردی درخصوص کتاب صدای عدالت انسانی چه بود؟

مرحوم آیت الله بروجردی از نشر کتاب به عربی استقبال کرد و حتی آیت الله بحر العلوم از طرف ایشان طی نامه یی از جرج جرداق تمجید و تقدیر نمود که متن آن نامه در چاپ های بعدی کتاب درج شده است. البته پس از انتقادهای برخی از شخصیت های روحانی در بلاد عربی - و سپس ایران - آیت الله بروجردی اصل نسخه کتاب را به آیت الله صافی گلپایگانی که در آن زمان از شاگردان و اصحاب مبرز آیت الله بروجردی بود، دادند تا ضمن بررسی و مطالعه کتاب، اشتباهات را تذکر دهند تا در ترجمه فارسی، ضمن حفظ محتوای متن، پاسخ یا توضیح لازم داده شود. آیت الله صافی خود می گویند: «من



از راست: آیت الله دین پرور، استاد خسروشاهی، جرج جرداق و حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان

کتاب را به دقت مورد مطالعه قرار دادم و در ۱۹ مورد نظر مولف را صائب نیافتم و همه آن موارد را یادداشت کردم تا در موقع ترجمه توضیح لازم داده شود». تفصیل چگونگی این داستان را خود آیت الله صافی گلپایگانی که هم اکنون یکی از مراجع عظام در قم محسوب می شوند در کتاب «فخر دوران» آورده اند.

این کتاب در زمان انتشار با مخالفت هایی از سوی بعضی از علما و مذهبیون رو به رو شد. از جمله اینکه برخی جرج جرداق را کمونیست معرفی کردند و این مساله با توجه به شرایط زمان و حساسیتی که نسبت به کمونیسم وجود داشت منجر به مخدوش شدن نسبی چهره او و شدت گرفتن مخالفت ها شده بود. چه خاطره یی از این مخالفت ها دارید؟

متأسفانه در هر زمان و دورانی عده یی از روی چهل یا غفلت، از هر پدیده جدیدی در همه زمینه ها از جمله مسائل فرهنگی انتقاد می کنند و فکر می کنند که حفظ همه باورهای پیشین، نوعی سنت نیکو است که البته این تفکر را اصل اجتهاد و توجه به مساله زمان و مکان که مورد توجه مرحوم امام خمینی هم بود، سازگار نیست ولی به هر حال این نوع برخوردهای منفی سابقه یی طولانی به قدمت تاریخ دارد. کتاب جرج جرداق هم از این آفت دور نماند و عده یی حتی بدون مطالعه کتاب و تنها با استناد به اقوال دیگران، با نشر کتاب و ترجمه آن مخالفت کردند و متأسفانه مدت زمان درازی افکار را به خود مشغول نمودند. ما علاوه بر کتاب جرج جرداق با این پدیده در مورد آثار و کتاب های شخصیت دیگر اسلامی معاصر هم روبه رو شدیم که آثار زنده یاد دکتر شریعتی و حتی بعضی از آثار شهید مرتضی مطهری - مانند کتاب حجاب - دچار این آسیب شدند و همه ما شاهد چگونگی آن بودیم. این مساله متأسفانه در بعضی موارد هنوز هم ادامه دارد، به هر حال مخالفت با کتاب جرج جرداق پدیده تازه یی نبود و این مخالفت ها اکثراً ناشی از چهل یا غفلت بود.

ادعای «کمونیست» بودن جرج جرداق هم یک تهمت واهی و بی اساس بود که برای جلوگیری از نشر کتاب و پذیرش آن از سوی نسل جوان، مطرح شد که بعداً بی پایه بودن آن بر همه روشن شد. اصولاً آیا معقول است که یک «کمونیست» هوادار مارکسیسم و لنینیسم، سال ها با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر، فرهنگنامه یی درباره یک شخصیت و رهبر اسلامی تهیه و تنظیم کند؟ مگر

علامه طباطبائی مقام عقل و تعبد را با هم جمع کرده بود

ادامه از صفحه اول

* جامعیت مرحوم علامه این بود که بین سرشت عقلی و سرنوشت تعبد، جمع کردن بسیار سخت است؛ کسی که سرشت او عقلانی است با برهان زندگی می‌کند، این شخص متعبد باشد خیلی سخت است. کمتر کسی است که سرشت او عقلانی باشد و اما عبد محض باشد، سرش آن است که تعقل او کامل بود و در مقام تعقل فهمید هیچ راهی نیست جز اهل بیت، این را عقل محض ثابت کرد؛ عصمت آن راه است و فهمید که عقل در جهان هیچ کاره است، عقل چراغ و سراج است. به نحو سالبه کلیه باید گفت از چراغ هیچ کاری ساخته نیست چراغ، چراغ است و صراط، سراج است؛ شما چراغ دستان است وقتی راه نباشد کجا می‌خواهید بروید؟! تنها مشکل را آن صراط حل می‌کند سراج برای تشخیص صراط است، عقل برای این است که بفهمیم دین چه می‌گوید، عقل برای این نیست که راه درست کند، عقل برای آن است که راه را کشف کند.

* خدا مرحوم بوعلی را غریق رحمت کند! او از اولیای خاص اهل بیت بود، وقتی که امیرالمؤمنین را معرفی می‌کند می‌گوید علی در بین همه اصحاب پیغمبر مثل عقل بود در بین جس، علی عقل جامعه بود، علی عقل کشور بود دیگران دست و پا بودند و چشم و گوش «هو بین أصحابه کالمعقول بین المحسوس». این بزرگوار در همان فصل اول مقاله دهم شفا می‌فرماید مبادا حرف روشنفکران فیلسوف‌نماها را نگاه کنید. آن‌که می‌گوید چه رابطه بین نماز استسقا و آمن باران است او فیلسوف نیست، این متشبه به فلسفه است.

* اینکه می‌بینید بعضی‌ها گفتند بعد از صد سال یا دویست سال باید سخنان ایشان فهمیده شود سخن گزافی نگفتند، این هم یکی از کارهای بزرگ و بزرگوارانه این جامع بین معقول و مشهود بود. نمونه دیگر از جامعیت مرحوم علامه طباطبائی این است که برخی‌ها کوشیدند بین عقل و نقل جمع کنند و جامع معقول و منقول شوند، برخی‌ها کوشیدند بین معقول و منقول و مشهود جمع کنند؛ یعنی هم حکیم باشند، هم فقیه و اصولی باشند، هم عارف باشند و برخی‌ها کوشیدند گذشته از جمع بین معقول و منقول و مشهود، بین تنزیل و تأویل جمع کنند که باز علامه در آن‌جا حضور دارد، برخی‌ها کوشیدند بین تشبیه و تنزیه جمع کنند که جزء اوحی از عرفا هستند و علامه در آن‌جا حضور دارد، جامع معقول و منقول بودن کم نیست، جامع معقول و منقول و مشهود بودن کمتر است، جامع تنزیل و تأویل بودن اندک است، اما جامع بین تنزیه و تشبیه بودن این نوبر است. آن کسی که جامع بین تشبیه و تنزیه است جای خود را در جایگاه تفسیر می‌داند که کجاست، این سه فصل را کاملاً از هم جدا می‌کند؛ فصل اول که مربوط به هویت ذات اقدس الهی است، آن‌جا را که محال است و محال می‌داند؛ احدی به آن‌جا دسترسی ندارد.

* علامه طباطبائی چطور با قرآن رفتار کرده است؟! او با قرآن مانوس بود، فرمود برابر تفسیر، ما دو اصل داریم که این دو اصل راهنمای ماست که این آیه چه می‌خواهد بگوید، یکی «سیاق» که در اصول از آن به تبادر یاد می‌شود و دیگری «سباق»؛ یعنی «سیاق» که معنای آن روشن است؛ با «سباق» و «سیاق» ما می‌فهمیم که این آیه چه می‌خواهد بگوید، این راه عمومی است؛ اما این تازه عربی مبین است و این اوایل راه است، اگر کسی خواسته باشد به آن «علی حکیم» نزدیک شود راه دارد و آن راهش این است که مرحوم علامه می‌فرماید قرآن کتابی نیست که اگر شما مثلاً این جمله را بردارید این چون به گذشته و آینده مرتبط است بی‌معنا باشد، این‌طور نیست، تک تک کلمات آن معنا دارد.

حضرت آیت‌الله سبحانی: علامه طباطبائی دژی برای اسلام و تشیع بود

نمی‌توانست به این موفقیت برسد.

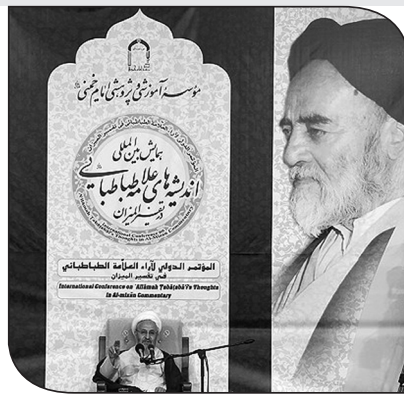
حضرت آیت‌الله سبحانی با تأکید بر این که می‌توان از متن تفسیر المیزان تفسیر موضوعی استخراج کرد، خاطرنشان کرد: درست است که این تفسیر، تفسیر سوره به سوره و آیه به آیه است ولی می‌توان از متن این تفسیر یک تفسیر موضوعی استخراج کرد؛ علامه درباره مسائل مختلفی همانند حکومت اسلامی و صبر مکرر سخن گفته است؛ محققان در این زمینه می‌توانند از دل این تفسیر یک تفسیر موضوعی درآوردند.

وی عنوان کرد: علامه طباطبائی همچنان از نظر مسائل ولایی بسیار بزرگوار هستند و کمتر کسی ولایتش به پای ایشان می‌رسد؛ بحث‌های ولایی ایشان استخراج شود، اگر مسائل ولایی در کتاب ایشان استخراج شود غالباً ناظر بر رد نظرات آلوسی است، در این دو زمینه باید کار کرد.

این مرجع تقلید نشر قلم در حوزه‌ها را از خدمات دیگر علامه طباطبائی دانست و گفت: در حوزه قلم فارسی و توجه به قلم کمتر بود، ایشان جمعی را تشکیل دادند تا مقالاتی را برای انتشار در مجلات بنویسند.

حضرت آیت‌الله سبحانی در بخش پایانی سخنان خود به توجه ویژه آیت‌الله بروجردی نسبت به علامه طباطبائی اشاره کرد و اظهار داشت: بنده خودم شاهد بودم عده‌ای از آنکارا برای فهمیدن نظر اسلام درباره مواد الکی نزد حضرت آیت‌الله بروجردی رسیده بودند؛ آن افراد به استاد ما آقای بروجردی گفتند که نظریه اسلام درباره مواد الکی را برای ما بنویسید تا در کنگره‌مان در آنکارا بخوانیم.

وی ادامه داد: علامه طباطبائی نیز در آن جلسه حضور داشتند، آقای بروجردی نگاهی به جلسه کرده و فرمودند «آقای سید محمد حسین طباطبائی تبریزی از علمای اسلام هستند، یعنی مفید، طبرسی، علامه هستند، ایشان می‌تواند در این باره چیزی نوشته و به بنده نشان بدهند و من آن را بفرستم تا در آنجا از طرف بنده بخوانید».



از مراجعه به قم کم به نوشتن و تدریس تفسیر پرداختند وی ادامه داد: وقتی علامه در تبریز بوده‌اند فردی با مطالعه کتاب‌هایی همانند «المنار» گرایش انحرافی و تندری پیدا می‌کند و مشغول رد روایات می‌شود که ایشان به فکر نوشتن تفسیر برای پاسخ دادن به روایاتی که آن فرد رد می‌کند می‌افتند.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با بیان این که علامه طباطبائی برخی از روایات را براساس آیات بیان می‌کردند، خاطرنشان کرد: سند و مدرک روایات را از آیه بیان می‌کردند، منظورشان این بود که ائمه اطهار(ع) گاهی برای بیان آیه‌ای از قرآن آن را به صورت روایات بیان می‌کردند و این از ابتکارات تفسیر المیزان است، المیزان در حقیقت مولود الیان است.

وی خاطرنشان کرد: گاهی گفته می‌شود که ایشان به روایات کمتر توجه کرده و قرآن را با قرآن تفسیر می‌کردند، این اشکال بی توجهی است، بلکه ایشان می‌گفتند که قرآن آیات مجملی دارد که باید پاسخ آن را از روایات گرفت؛ درباره متشابهات نیز می‌گفتند که جواب آن در قرآن است؛ ایشان روایت را از قرآن جدا نمی‌کردند، بلکه روایات را جدا می‌کردند تا بتوانند مستقلاً درباره آن سخن بگویند؛ چرا که اگر این کار را نمی‌کرد

آیت‌الله استادی: «المیزان» تفسیر اجتهادی به معنای واقعی است



ذهنی با تفسیر مخلوط شوند، همانگونه که امام راحل مسائل فقهی را با اصطلاحات ذهنی مخلوط نکرده‌اند. آیت‌الله استادی یادآور شد: یکی از نواقص برخی تفاسیر این است که درباره آیات متشابه تنها احتمالات را بیان کرده و آنها را رها کرده‌اند و نگفته‌اند که کدام احتمال درست و کدام احتمال نادرست است؛ در حالی که علامه طباطبائی این راه و رسم را بر هم زده و ضمن بیان اقوال، ضعیف و قوی آنها را مشخص کرده است، ایشان اقوال را رها نکرده و به آنها بی‌اعتنایی نکرده است.

وی خاطرنشان کرد: یکی از امتیازات بزرگ علامه طباطبائی این بود ضمن بیان، روایت ضعیف و قوی را نیز مشخص می‌کرد؛ یعنی با یک جرائی اقوال مختلف را ذکر کرده و با بیان اشکالات آنها را رد می‌کرد؛ این درسی باید برای افرادی که می‌خواهند در این زمینه تلاش کنند باشد؛ هنر علامه این بود که با بحث در متشابهات و ارجاع آن‌ها به محک‌ها، متشبهات را به اقل رساند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان این که علامه طباطبائی نشان داد قرآن و استفاده از آن تمام نشده است، گفت: هر روز باید برای قرآن کار شود، فردی نگوید که «المیزان» خاتم تفاسیر است، گویی سابق اینگونه بوده و برخی این عقیده را داشته‌اند؛ ایشان

آیت‌الله رضا استادی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در مراسم اختتامیه همایش بین المللی اندیشه‌های علامه طباطبائی در تفسیر المیزان که در دارالقرآن علامه برگزار شد، با بیان این که از آغاز اسلام تاکنون تفاسیر مختلفی نوشته شده است، گفت: هر یک از تفاسیر در جایگاه خود دارای ارزش هستند.

وی ادامه داد: در جهان تشیع نیز تاکنون تفاسیر بسیار خوبی نوشته شده و هر کدام دارای ارزش هستند؛ ولی از وجنات تفسیر المیزان پیداست که علامه معتقد بوده بقیه تفاسیر با تمام عظمت دارای نواقص هستند و به فکر رفع این نواقص بوده است.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان این که تفسیر المیزان را باید از جهات مختلفی مورد بررسی قرار داد، به بررسی تأثیر این تفسیر در حوزه‌های علمیه شیعی پرداخت و بیان داشت: یک بخشی از امتیازات تفسیر المیزان مربوط به شخصیت خود علامه است، ولی تعدادی از امتیازات آن مربوط به مبانی است.

وی افزود: ایشان در تفسیر المیزان مبانی روشنی را انتخاب و بیان کرده است و اگر بخواهیم کار قرآنی انجام دهیم باید از این مبانی بهره گیریم؛ یکی از مبانی ایشان این است که قرآن برای همه افراد نازل شده است، مردمی که در میان آن از افراد عادی تا دانشمند هستند.

آیت‌الله استادی خاطرنشان کرد: علامه می‌فرماید «قرآن مختص عرفا نیست»، یعنی قرآن تنها برای عرفا نبوده و همه افراد می‌توانند از آن بهره گیرند، ولی هر فردی به میزان ظرفیت خود می‌تواند از آن بهره گیرد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان این که علامه طباطبائی نسبت به علوم مختلف آشنایی داشته‌اند، بیان داشت: ایشان نگذاشتند که اصطلاحات

تاریخ حضور شیعه در مالزی به نخستین برخوردهای مردم بومی مالائی با اقوام مهاجر مسلمان در قرن پنجم هجری به بعد بر می‌گردد و در آن زمان دین اصلی مردم این سرزمین هندوئی و بودائی و زبان آنان سانسکریت بوده است. از میان مسلمانان بازرگان در قرون گذشته، شیعیانی نیز بوده‌اند که برای داد و ستد به بندر «مالاکا» با کشتی‌های بزرگ تجاری می‌آمده‌اند و براساس گفته پرفسور «داتو محمود زهدی» از اساتید بنام دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی نخستین مهاجران به این سرزمین شیعه بوده‌اند و البته تاکنون اسناد قابل قبولی برای اثبات حضور گسترده شیعه در دست نیست و نمی‌توان با قاطعیت گفت که شیعه نخستین مهاجران به مالزی بوده‌اند. برخی از مورخان از حضور سردار ایرانی الاصل چینی به شهر ملاکا خبر داده‌اند که در همانجا نیز در گذشته است، اما این گفته نیز چندان دارای مستند نمی‌باشد.

مالزی بر خلاف تایلند شاهد مهاجرت علمای شیعی ایران و عراق نیز نبوده است. حضور شیعه در مالزی عموماً در چند مرحله تاریخی صورت گرفته است که مهمترین آنها مهاجرت اقوام سادات علوی از یمن به مالزی می‌باشد. این سادات علوی که به نامهای سید العطاس، سید السقاف، سید العیدروس و مانند آنها شهرت داشتند در قرون گذشته از یمن و به ویژه حضرموت به مالزی مهاجرت کرده‌اند و دارای مذاهب شیعه و شافعی و زیدی بوده‌اند و بسیاری از شیعیان مالزی از این تیره و نژاد می‌باشند و از نظر شکل و شمائل نیز با مردم مالائی کاملاً متفاوت می‌باشند.

گروه دیگری از شیعیان مالزی متعلق به مهاجران هندی، پاکستانی، افغانی و بنگلادشی می‌باشد که در دوران سيطرة انگلستان در مالزی به عنوان نیروهای کار به این منطقه کوچانده شده و در طول سالهای متمادی مذهب خود را حفظ کرده و آداب و مناسک دینی را بر اساس مذهب شیعه به جای می‌آوردند. شیعیان خوجه اثنا عشری هند نیز از همین جمله بشمار می‌آیند که در حال حاضر در مالزی دارای اتحادیه مستقل می‌باشند و فعالیت خود را در حمایت از دانشجویان جعفری اثناعشری دارند. با بروز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (قدس سره) تعدادی از همین سادات و برخی دیگر از جوانان پرشور سنی مذهب برای آشنا شدن با اسلام انقلابی به قم مهاجرت کردند و به تحصیل علوم دینی پرداختند. تعداد این افراد از ۵۰ نفر نیز تجاوز نمی‌نماید. این جوانان مالزیایی بعداً به کشورشان بازگشتند و در مشاغل مختلف دولتی و غیر دولتی چون شرکتهای تجاری به کار پرداختند و تعدادی از همین افراد نیز به فعالیت مذهبی مشغول شدند.

شیعیان مالزیایی اعم از طرفداران انقلاب اسلامی و یا طرفداران مراجع شیعی دیگر در هند و عراق و پاکستان و ایران هیچگاه برای خود مسجیدی نداشته‌اند و همه فعالیت‌های آنان در منازل و یا اماکنی تحت عنوان حوزه و یا مرکز انجام می‌شده است. تعدادی از سران احزاب «پاس» و «آمنو» نیز به تشیع گرایش یافتند، اما شیعیان حزب پاس در بیان این گرایش شجاعت بیشتری از خود نشان دادند و احزاب مخالف آنان نیز همین امر را دستمایه حمله سیاسی خود قرار دادند و برای تضعیف جبهه مخالف آنان را به پیروی از تشیع متهم می‌ساخنند.

الف: مراکز شیعی مالزیایی نمی‌توانند عامل نگرانی دولت مالزی باشند

در بخش نخست به برخی زوایای تاریخی مهاجرت شیعیان به مالزی اشاره کردیم و گفتیم که تنها تعداد اندکی از شیعیان مالزیایی در قم به تحصیل پرداخته‌اند و این سؤال مطرح می‌شود که آیا این تعداد انگشت شمار می‌توانند خطری جدی برای امنیت ملی مالزی، آن گونه که مهاتیر محمد بر آن تاکید دارد باشند؟ و این در حالی است که تعداد ۲۰ هزار نفر از جوانان مالزیایی در مراکز دینی مصر، اردن و عربستان به تحصیل می‌پردازند و

سلفی گری در مالزی



به شیعیان می‌تازند و آنان را با انواع تهمت‌های ناروا در رسانه‌های رسمی و غیر رسمی همراه می‌سازند و امکان پاسخگویی به این تهمت‌ها را نیز از شیعیان سلب کرده‌اند. به نظر می‌رسد حرکت‌های افراطی وهابیت در صورت بازگشت تعداد بیشمار مالزیاییهای تحصیل کرده در کشورهای عربی سازماندهی سیاسی خواهند شد و این جریانات با ائتلاف خود در اندونزی و تایلند و برونی می‌توانند مردم معتدل این منطقه را با افراطگری سلفی‌ها مواجه نمایند. افراط گرایان سلفی در آینده شرق آسیا نقش فعالی خواهند داشت و تنها جریان عقل گرایی دینی می‌تواند عامل مهار این حرکت تخریبی بشمار آید. مایه تعجب این است که رشته‌های فلسفه و کلام در همه دانشگاههای مالزی تعطیل شده است و زمینه رشد سلفی گری و ظاهری گری سلفی در میان شافعیان مالزی با حمایت کشورهای عربی در حال رشد بی‌سابقه‌ای است.

عقلانیت شیعه در حال گسترش است

علل شیعه ستیزی را در بخش دوم بررسی کردیم و گفتیم که عوامل اعتقادی آخرین عامل برای شیعه ستیزی می‌باشد، و در این امر عوامل وهابیت با تحریک عناصر خارجی رقیب جمهوری اسلامی ایران در بحرین و سوریه نیز نقش فعالی ایفا می‌نمایند. حرکت‌های سلفی مالزی با پیوند خوردن به جریان طالبانیسم و جبهه النصره و حرکت‌های تندروی سنی جهادی در افغانستان، عراق، چین و جریانات تروریستی ضد نظام سوریه درصدد ایفای نقش خود در داخل مالزی می‌باشند و یکی از این مأموریتها بزرگمائی خطر شیعه در مالزی و پوشش نهادن به حرکت‌های وهابیت در این خطه می‌باشد. بنا بر اخبار واصله تعدادی از گروههای تروریستی سوریه را مالزیاییهای وهابی تشکیل می‌دهند و سرپلهای وهابیت در مالزی از زمان شروع جنگ سوریه تعدادی از جوانان



سنی را به این منطقه اعزام کرده‌اند. خطری که آینده مالزی را تهدید می‌کند جریانات وهابی و سلفی خواهد بود که با حمایت کشورهای عربی هیچگونه زندگی مسالمت آمیز با ادیان و مذاهب دیگر را بر نمی‌تابند و سیر صعودی پیشرفت مالزی در مقایسه با همسایگانش چون سنگاپور با بحران جریانهای تندروی اسلامی روبرو خواهد شد و اگر سیر سرکوب شیعیان که تنها جریانات عقلگرایی سنتی می‌باشند ادامه یابد، این روند افراط گرایی سیر تندتری را خواهد داشت و نه تنها مالزی و نظام پادشاهی آن بلکه همه کشورهای منطقه را با خطر افراط گرایی دینی روبرو خواهد ساخت.

سؤالی که اینجا مطرح می‌باشد این است که چرا تفکرات ضد شیعی و شیعه هراسی در مالزی شدت یافته و چنین حرکتاتی در دیگر کشورهای شرق آسیا مشاهده نشده و یا به این شدت نبوده است؟ در بخش دوم عوامل سیاسی، اقتصادی و اعتقادی را در شیعه هراسی در مالزی برشمردیم، اکنون می‌خواهیم به ماهیت فلسفی تفکرات اهل سنت به صورت مبنائی اشاره کنیم و ببینیم که چرا شیعه توانسته است جذابیت زیادی در میان مسلمانان این منطقه داشته

باشد. در حقیقت ضعف ایدئولوژیک موجود سبب شده است تا جوانان و متفکران مالزیایی درصدد جبران آن ضعف باشند و به سوی شیعه گرایش پیدا نموده‌اند و عامل اعتقادی رهبران سنی سبب شده است تا بکار افتاده و جریان شیعه ستیزی را گسترش دهد. این ضعف ایدئولوژیک برمی گردد به ماهیت تفکرات اشعریه در میان اهل سنت مالزی که روندی منفی نسبت به عقل گرایی داشته و بیشتر به سمت و سوی اهل حدیث و اهل ظاهر گرایش پیدا کرده‌اند.

ماهیت اصلی تفکر اشعریه در مقابل اعتزال یک جریان عقلگرایی با احترام بسیار نسبت به قرآن و سنت بوده است، زیرا بدون بکارگیری استدلالات عقلی و براهین فلسفی نمی‌توانستند پاسخ اندیشمندان معتزله را بدهند، بنابراین ابوالحسن اشعری در آثار خود چون الاپانه و مقالات الاسلامیین بیش از آنکه مدافع اهل حدیث باشد از عقلگرایی برای مقابله با اعتزال استفاده کرده است، اما در طول تاریخ این جریان از اصالت عقل به اصالت نقل دگردیسی نمود و این دگردیسی را در افکار «رشید رضا» به عنوان یک مدافع حرکت «محمد بن عبدالوهاب» و «سید قطب» با مواضعی اصولی تر در مصر می‌توان مشاهده کرد.

علمای دینی مالزی در پنج قرن گذشته که با اسلام پیوندهای قوی‌تری را ایجاد کرده‌اند بیشتر تحت تاثیر مراکز دینی مصر و مکتب کلامی آن بوده‌اند و اخیراً گرایش بیشتری به سمت و سوی جامعه المدینه المنوره و سایر دانشگاههای عربستان داشته‌اند. اگر عالمی شافعی اشعری مسلک بتواند خود را در مقابل سموم وهابیت مقاوم سازد که البته این امر بدون مسلح شدن به عقل و استدلال و کلام امکان پذیر نیست حداقل چنین فردی گرایش به سوی اهل حدیث و ظاهر در مکتب اشعری پیدا می‌کند، بنابراین کم نیستند عالمان شافعی مالزیایی که با وهابیت مخالف می‌باشند، اما در مکتب اشعریسم، تابع محض اهل ظاهر هستند و از سلفی گری شافعی پیروی می‌کنند. این افراد بیشتر در الازهر مصر تحت تاثیر علمای شافعی مصری بوده‌اند و از تقریب مذاهب اسلامی نیز دفاع نمی‌کنند، و به هیچ وجه علاقه‌ای به مسائل کلامی و عقلانی ندارند و نمی‌توانند مدافعان خوبی برای وحدت امت اسلامی بوده باشند.

گروه دیگر این عالمان مالزیایی کسانی هستند که تحت تاثیر سید قطب و جمال الدین اسدآبادی و شیخ شلتوت بوده‌اند و ضمن حفظ اعتقادات شافعی خود از وحدت شیعی و سنی نیز دفاع می‌کنند. حرکت سلفی مالزی با این گروه به شدت برخورد می‌کند و آنان را اهل تسامح با تشیع معرفی می‌نمایند و با این اتهام آنان را از صحنه دینی خارج می‌سازند. یکی از این شیوخ مالزیایی که قربانی حرکت‌های سلفی شده است «شیخ عبدالغنی شمس الدین» است که ریاست جمعت العلمای شرق آسیا را برعهده دارد و ضمن آنکه سنی شافعی و تحصیل کرده مصر است با تقریب مذاهب موافق می‌باشد و مخالفان وحدت شیعه و سنی و وهابیت مالزیایی او را به اتهام مماشات با شیعه از دانشکده علوم انسانیه اخراج نمود.

شافعیان اشعری مسلک ظاهری و حدیثی بر خلاف شافعیان سنتی اشعری بیشتر تحت تاثیر حرکت‌های سلفی قرار گرفته‌اند و آنان ضمن حفظ عقاید شافعی خود و مخالفت ظاهری با وهابیت تحت تاثیر آنان می‌باشند و از حمایت‌های آنان در مبارزه علیه شیعه برخوردارند. با توجه به این مقدمه پاسخ به سؤال مذکور که چرا شیعه در این منطقه با رشد روبرو شده است روشن می‌گردد. ضعف ایدئولوژیک شافعیه تحت تاثیر سلفی گری و اهل حدیث سبب شده است تا نسل جوان برای رویارویی با گرایشهای فکری لاتیسیم، مدرنیسم، پست مدرن و سکولاریسم به دنبال مکتبی باشند تا پاسخ این جریانات مخرب را بدهند و شیعه با پشتوانه فکری فلسفی و پویائی فلاسفه شیعی چون ملاصدرا، علامه طباطبائی، شهید مطهری و امام راحل توانسته است این خلأ فکری را تا حد زیادی پر نماید.

ادامه در صفحه بعد

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی
◄ شماره ۱۶ ◄ شماره مسلسل ۱۴۸۶ ◄ نیمه دوم آبان ۱۳۹۳ پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com
جہان اسلام

که تا کنون هیچ گروه قانونی ای گزارشی مبنی بر این که فعالیت های جماعت اخوان المسلمین موجب نگرانی است، ارائه نداده است.

اخوان المسلمین در ادامه بیانیه خود آن چه در روزنامه ساندی تلگراف آمده را به باد انتقاد گرفته و آن را تلاشی از سوی این روزنامه برای تخریب وجهه اخوان المسلمین و ایجاد ارتباط واهی میان آن با جریان های تروریستی دانسته و تاکید کرده که گزارش تلگراف غیر دقیق و گمراه کننده است.

اخوان المسلمین در پایان تاکید می کند که جریان های جهت داری تلاش دارند تا نتایج اصلی گزارش درباره فعالیت های اخوان المسلمین را زیر سوال ببرند و روند آن گزارش را منحرف کنند و برای زندگی اعضای اخوان المسلمین در بریتانیا مشکلاتی به وجود آورند.

دپلماسی ایرانی

عربستان و دیگر کشورهای عربی بشمار می آید و این نوع توسعه متکی بر استعدادهای داخلی و جریانهای علمی و ساختارهای بومی نیست و نمی تواند پایدار بماند، ضمن آنکه عربستان به عنوان طلبکار اصلی توانسته است خواسته‌های سیاسی خود را بر دولتمردان مالزی علی‌رغم خواسته مهاتیر محمد تحمیل کند که از جمله آنها تأسیس دانشگاه المدینه در «شاه علم» و نفوذ علمای وهابی در رده‌های مختلف سازمان «جاکیم» و مفتی گریهای مالزی در استانهای گوناگون است. مهاتیر بارها گفته است که مخالف نفوذ تشیع و وهابیت در مالزی می‌باشد، اما بدهکاریهای سنگین این کشور به عربستان سبب شده است تا دست وهابیان تندرو در این کشور باز بماند و جوانان مسلمان مالزیائی که در چین و سوریه با النصره و طالبان همکاری می‌کرده‌اند به صورت آزادانه در مالزی فعالیت نمایند و دولت مالزی از بیم سر رسیدهای بدهی، چشمان خود را بر این جریان‌ات خطرناک ببندند. بنابراین احساس غرور و حس سربلندی و افتخار در میان مردم شرق آسیا نتیجه سیاست نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی ایران و اتکا بر منابع داخلی و ارزشهای اسلامی بوده است و این افتخار به قشر خاصی از مسلمانان این منطقه اختصاص ندارد و بسیاری از مالزیائیهای چینی تبار نیز خود این سیاست کشورمان را می‌ستایند و وابستگی مالزی به دول غربی بویژه کشورهای عربی همسوی آمریکا را به شدت مورد نقد قرار می‌دهند.

پیش از بروز انقلاب اسلامی که سبب ایجاد تحول در وضعیت مسلمانان جهان و بیداری اسلامی گردیدبیشتر مسلمانان در جهان با پیروی از غرب از رهنمودها و تعالیم دین مقدس اسلام‌گریزان بودند، و پیروزی انقلاب اسلامی سبب گردید تا مسلمانان با چنگ زدن به ریسمان الهی و احیای ارزش‌های اسلامی صفوف خود را برای مقابله با استکبار جهانی محکم‌تر نمایند و دوران تسلط آنان بر جهان اسلام سپری گردد، و جهان تک قطبی با ایدئولوژی مادی و لیبرالیسم غربی توسط طرفداران انقلاب اسلامی در سراسر جهان با چالش روبرو شود، و این همان نگرانی جریانهای همسوی غرب در مالزی از گسترش انقلاب اسلامی در شرق آسیا می‌باشد که بدون هیچ مدیریت از سرمنشأ آن، یعنی جمهوری اسلامی ایران، مرزهای جغرافیائی را در می‌نوردد و نور و امید را برای مسلمانان جهان به ارمغان می‌آورد. تجربه نشان داده است که اگر مدافعان غرب بتوانند همه صداهای مسلمانان را ساکت نمایند این صدای وجدان و فطرت انسانی که طالب آزادی و استقلال و ارزشهای فطری دینی است را نمی‌توانند خاموش نمایند.

گرایشهای اخیر مهاتیر محمد به غرب و انتقادات وی به سیاستهای جمهوری اسلامی ایران نتیجه همین فشارهای اقتصادی کشورهای عربی مدافع غرب می‌باشد و ناخواسته وی زمینه را بروز جریانهای تندروی سنی و افراطیان عرب در این منطقه باز نموده است.

*** دکتر علی اکبر ضیایی**

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مالزی

توطئه علیه اخوانی‌ها!

به اظهارات دکتر لورینزو فیدینو، یکی از تهیه کنندگان گزارش فعالیت های اخوان المسلمین در انگلیس استناد می کند در حالی که او اطلاعاتی که در این روزنامه آمده است را رد می کند. با رد این ادعاها از سوی لورینزو فیدینو روزنامه تلگراف تا کنون هیچ واکنشی در قبال آن از خود نشان نداده است.

در همین رابطه اخوانی ها نیز وجود هر گونه فشاری از سوی دولت انگلیس علیه خود را رد می کنند. جماعت اخوان المسلمین با صدور بیانیه ای وجود هر گونه ارتباطی میان خود با گروه های تروریستی را رد کرده و آن چه در گزارش روزنامه تلگراف آمده است را فاقد وجهات قانونی و عاری از صحت دانسته است.

در بیانیه اخوان المسلمین همچنین آمده است که وکلای جماعت اخوان به آنها ابلاغ کرده اند که در تحقیقات به‌عمل آمده درباره فعالیت های اخوان در بریتانیا و بنا به آن چه به دولت دیوید کامرون اطلاع داده شده است، جماعت اخوان المسلمین و اعضا و موسسات آن هیچ ارتباطی با هیچ کدام از گروه های تروریستی ندارند. اخوان المسلمین در بیانیه خود همچنین تاکید می کند

انسجام و ایجاد فرصت نیز می‌باشد.

از دیگر عوامل گسترش دیدگاههای استکبار ستیزی و انقلابی امام خمینی در مالزی انتشار تعداد زیادی مقالات مربوط به انقلاب اسلامی در روزنامه‌های مالزی در سالهای نخست انقلاب اسلامی ایران توسط روزنامه نگاران و نویسندگان مالزیائی است. البته در همان سالها نیز تلاشهایی برای عدم انعکاس اخبار مربوط به انقلاب اسلامی ایران در مالزی توسط حکومت وقت صورت می‌گرفت، اما حادثه عظیم انقلاب اسلامی و جنبشهای متأثر از آن در شرق اسیا و دیگر مناطق جهان امری نبود که بتوان به سادگی از کنار آن گذاشت و یا اخبار آن را در مطبوعات مالزی سانسور کرد.

از دیگر عوامل توسعه انقلاب اسلامی در این دیار شعار جهان شمول بودن انقلاب و دادن امید به نسلهای آینده برای به دست گرفتن سرنوشت خود و جهانی با برخورداری از سعادت معنوی و برقراری حکومت عدل اسلامی و پایان یافتن دوران استکبار شرق و غرب به دست جوانان پرشور مسلمان با هر مذهبی تحت رایت قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و احیای بندگی خدا و نه ابرقدرتها بود و این شعارها در جان و روح جوانان مالزیائی رسوخ کردند و حرکت بزرگی را به سمت وسوی احیای تمدن اسلامی و حتی اسلام سیاسی در حکومت ایجاد نمود. جریانات سیاسی مدافع غرب چه به صورت بومی و داخلی و چه با تحریک دولتهای عربی با هدایت غرب و استکبار تلاش زیادی کردن تا با تحریک پادشاهان مالزی این فکر را به آنان القا نمایند که پیام انقلاب اسلامی و احیای تفکر بندگی خدا و مقابله با استکبار و شعار حکومت اسلامی و یا احیای ارزشهای دینی در حکومت به معنای حذف دوران پادشاهی مالزی می‌باشد و با استفاده از این ترفند توانستند دیدگاههای متعادل پادشاهان مالزی را نسبت به تشیع و انقلاب اسلامی بدبین نمایند و این در حالی است که تا کنون هیچ یک از علما و روشنفکران مسلمان شیعی و سنی طرفدار انقلاب اسلامی چنین تلقی و تفسیری از انقلاب اسلامی در مالزی ارائه نکرده‌اند و به صراحت همه فعالیتها و آرمانهای خود را در چارچوب قانون اساسی مالزی و احترام به آداب و رسوم ملی و پرچم این کشور دانسته‌اند.

عامل دیگر محبوبیت انقلاب اسلامی در میان مردم مالزی از همه ادیان و مذاهب این است که مردم کشوری چون ایران با اتکای بر توانائیهای خویش توانسته است در ایجاد کشوری قدرتمند و پیشرفته موفق باشد و این موفقیت جمهوری اسلامی ایران مرهون رهنمودهای امام راحل و بیانات و راهنمائیهای مقام معظم رهبری در سالهای پس از انقلاب اسلامی بوده است. بسیاری از روشنفکران مالزی ضمن تمجید از سردار سازندگی مالزی یعنی مهاتیر محمد معتقد هستند که سرمایه گذاریهای آمریکا و کشورهای همسوی عربی با آن در توسعه اقتصادی مالزی نقش بسزائی داشته است و اکنون مالزی جزو بدهکارترین کشورهای اسلامی به

توطئه علیه اخوانی‌ها!

و هفتگی آن «ساندی تلگراف» است نزدیک به جریان های راست انگلیس و حزب محافظه کار که در حال حاضر دولت را در این کشور در دست دارد، محسوب می شود.

بنا به گزارش این روزنامه دولت انگلیس قصد دارد به زودی حمله امنیتی گسترده ای را علیه جماعت اخوان المسلمین در سراسر بریتانیا آغاز کند که به موجب آن شبکه بزرگی از گروه های اسلامی وابسته به این جماعت را دستگیر خواهد کرد. این روزنامه می نویسد که دولت انگلیس در این رابطه فهرست بلندبایی را تهیه کرده که در آن نام بیش از ۶۰موسسه خبریه و مرکز مطالعاتی به علاوه یک شبکه تلویزیونی که مقر آن در لندن است و بنا به این گزارش اندیشه های افراطی را در داخل بریتانیا و جهان عرب ترویج می کند، مشاهده می شود. این در حالی است که هنوز گزارش فعالیت های اخوان المسلمین در انگلیس و ارتباطات آنها با جریان های تروریستی که بنا بود تا اواخر ماه ژوئن گذشته منتشر شود، هنوز منتشر نشده است و داثما انتشار آن به تعویق می افتد.

روزنامه ساندی تلگراف برای اثبات ادعاهای خود

در این مقاله خواهیم گفت که هدف اساسی از انقلاب اسلامی ایران ترویج مذهب تشیع در شرق آسیا نبوده و نخواهد بود و این اصول ثابت و بنیادین انقلاب اسلامی است که توانسته است بخش عظیمی از روشنفکران جوامع شرق آسیا را تحت تاثیر قرار دهد و این تاثیر پذیری رنگ مذهبی خاص نداشته است و علت اعلام آمارهای بسیار متفاوت از شیعیان مالزی نیز وجود گسترده اقشار روشنفکر مالزی اعم از مسلمان و غیر مسلمان در حمایت از جریان استکبار ستیزی و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس توسط انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تا کنون است و جریانات همسوی با غرب همه این اقشار را متهم به تشیع نموده‌اند و در صدد تضعیف جریانات مخالف غرب در مالزی می‌باشند.

پیش از بروز انقلاب اسلامی تعداد زیادی از روشنفکران مالزیائی در کشورهای انگلستان، آلمان، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها با انقلابیون ایرانی در انجمنهای اسلامی دانشگاههای مختلف آشنا شده بودند و تاریخ آشنائی آنان با افکار امام خمینی و انقلاب اسلامی به آن دوران باز می‌گردد. بسیاری از دولتمردان مالزیائی در رده‌های مختلف سیاسی که در دانشگاههای خارج از کشور خود تحصیل کرده‌اند با نام و آوازه امام خمینی قبل از انقلاب اسلامی آشنا شده‌اند و به گونه‌ای تحت تاثیر اسلام ناب محمدی در زمانی که همه حکومتهای مشرق زمین تحت سیطره آمریکا و غرب بودند قرار داشتند. هنگامی که این تحصیل کردگان مالزیائی به کشور خویش بازگشتند در مراکز مختلف آموزش عالی مالزی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و این که یک کشور اسلامی مقتدر به نام ایران وجود دارد که با اتکای به مردم مسلمان توانسته است در برابر غرب بایستد برای دانشجویان خود سخن گفته‌اند و بسیاری از آنان در زمان حیات امام خمینی نیز توفیق دیدار ایشان در بیت متواضع جماران را داشته‌اند و بارها در مجامع مختلف از خاطرات خود در سفر به ایران سخن گفته‌اند. این روشنفکران دارای اعتقادات مذهبی شیعه نبوده‌اند و صرفا به عنوان مدافعان انقلاب اسلامی تحت تاثیر افکار امام خمینی قرار داشته‌اند. به مرور زمان فشارهای سیاسی و امنیتی بر این عده در دانشگاههای مالزی افزایش می‌یابد و همین امر سبب می‌گردد تا این افراد گرایشهای سیاسی خود را از نظام حاکم پنهان نمایند و با تحریک مخالفان انقلاب اسلامی و مدافعان غرب متهم به شیعه گری و یا تقیه شده‌اند. برخی از شیعیان بومی نیز برای نشان دادن گسترش شیعه در مالزی به عمد و یا غیر عمد این گروه از روشنفکران مالزیائی را در زمره شیعیان در حالت تقیه معرفی کرده اند، اما تماسهای فردی با این تعداد گسترده از مدافعان انقلاب اسلامی به خوبی گرایش دینی اهل سنت را در آنان تقویت می‌کند، اما در هر حال مذهب شیعه را نه تنها جریان انحرافی نمی‌دانند، که معتقدند با گفتگوی سازنده با جهان تشیع می‌توان در رونق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مالزی نیز مشارکت نمود و این تعدد مذاهب نه تنها عامل تهدید بشمار نمی‌آید، که عامل

گزارشی که هفته گذشته روزنامه انگلیسی «ساندی تلگراف» منتشر کرده جنجال گسترده ای در فضای مجازی و اینترنت و همچنین افکار عمومی جهان عرب ایجاد کرده است. در این گزارش آمده است که برای نخستین بار دولت دیوید کامرون تدابیر تازه ای را علیه جماعت اخوان المسلمین اتخاذ کرده است.

اکنون افکار عمومی عربی می پرسند که منبع این خبر چیست و روزنامه ساندی تلگراف از کجا دریافته که دولت کامرون اخوان المسلمین را تحت فشار قرار داده و علیه آنها مواضعی را اتخاذ کرده است.

به گزارش روزنامه القدس العربی، چاپ لندن، این در حالی است که منابعی که این روزنامه انگلیسی برای انتشار این خبر به آنها استناد کرده است وجود چنین فشاری علیه اخوان المسلمین را رد کرده اند.

انگلیس یکی از پایگاه های مهم اخوان المسلمین در جهان و مهم ترین پایگاه آنها در غرب محسوب می شود و آنها توانسته اند نفوذ بسیاری در میان دولتمردان و جامعه سیاسی انگلیس به دست آورند.

روزنامه تلگراف که نام روزنامه روزانه آن «دیلی تلگراف»

ادامه از صفحه قبل

بنابراین جمهوری اسلامی ایران هیچ برنامه منسجمی برای ترویج تشیع در مالزی و دیگر کشورهای منطقه ندارد، و این ضعف ایدئولوژیک مسلمانان شرق آسیا می‌باشد که گرایش جوانان و اهل فکر و دانشگاهیان مالزی را به سمت متفکران شیعه تضمین کرده است و در این میان ممکن است اندکی از همین طرفداران فلاسفه و متفکران شیعی ایرانی نیز به مذهب تشیع گرایش پیدا کرده باشند، اما مشاهدات نشان می‌دهد که بسیاری از متفکران اهل سنت از نویسندگان و دانشگاهیان بدون هیچ گونه تبلیغ از طرف ایرانیان و شیعیان مقیم به سمت انقلاب اسلامی و مفاهیم عقلانی تشیع گرایش پیدا کرده اند، اما هنوز بر همان مذهب سنتی خود به شریعت عمل می‌کنند و در هیچ مناسبت شیعی نیز شر کت نمی‌نمایند، و در حقیقت با بکارگیری عقلانی گری شیعه توانسته‌اند ضعف ایدئولوژیک خود را جبران کنند. بدیهی است سخت گیری‌های دولتی و حمله‌های رسانه‌ای و دستگیریهای کنونی نمی‌تواند سدّ راهی برای گسترش عقلانیت شیعه در میان اندیشمندان مالزیائی گردد، هر چند که فقه شیعی را توانسته‌اند تا حدودی مانع از عمل آن گردند.

در بخش چهارم به پیدایش تفکرات انقلابی امام خمینی در شرق آسیا و تاثیر آن بر گسترش شیعه خواهیم پرداخت.

رابطه انقلاب اسلامی و جریانات شیعی مالزی

همان طور که در بخش‌های گذشته به آن اشاره کردیم تعداد مبلغان و فعالان شیعی مالزیایی در حد و اندازه‌ای نیستند که بتوانند امنیت ملی مالزی را به خطر اندازند و آن گونه که طراح مالزی مدرن آقای مهاتیر محمد ادعا کرده است، وجود شیعی خطری برای بروز فرقه گرائی و تضعیف جامعه یکپارچه اهل سنت بشمار آید و بر خلاف این ادعا می‌بینیم که مقامات دولتی مالزی خود به اختلافات شیعی و سنی دامن زده و زمینه را برای بروز خشونت مذهبی تندروهای سنی علیه اقلیت شیعی فراهم ساخته‌اند و همان گونه که مقام معظم رهبری بیان فرموده‌اند عاملان تفرقه خود قربانی این جریان می‌گردند.

بروز خشونت‌های اخیر در مالزی علیه شیعیان نتیجه سیاست غلط دولت مالزی در تحریک عواطف مردمی علیه اقلیت‌های دینی خود می‌باشد. در این بخش به تاثیرات انقلاب اسلامی در حرکت‌های اسلامی شرق آسیا می‌پردازیم و خواهیم گفت که بخش زیادی از جامعه روشنفکری مالزی از مسلمان و غیر مسلمان تحت تاثیر استکبار ستیزی انقلاب اسلامی و مواضع روشن حضرت امام قدس سره علیه رژیم اشغالگر قرار داشته‌اند و علی‌رغم داشتن مذهب اهل سنن از طرفداران انقلاب اسلامی بشمار می‌آیند و جریانات سیاسی همسو با غرب با ادعای مبارزه با شیعه در مالزی در صدد تضعیف این گروه بزرگ از روشنفکران مسلمان که در احزاب مختلف سیاسی نیز نفوذ دارند می‌باشد.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی در مراسم عزاداری ماه محرم گفت: باید رفتار و منش ما در سه زمینه «اهداف»، «ظرف و دامنه تحقق» و «ابعاد و ارزش های فرهنگی» با نهضت عاشورای حسینی تطابق داشته باشد وگرنه مسیری غیر مسیر قیام سیدالشهدا(ع) را در پیش گرفته ایم.

وی با اشاره به این که باید همه، اهداف این قیام را به درستی باز شناخت و پی گیر آنها شد، گفت: بقاء دین اسلام، احیای سنتها، رونق یابی ارزشها، فسادگریزی و فسادستیزی، عمل به حق و دوری از باطل و... این اهداف را تشکیل می دهند.

ظرف و دامنه تحقق قیام عاشورا

استاد حوزه علمیه قم گفت: آن حضرت قیام خود را فراتر از ظرف اختصاصی شیعه، در فضای گسترده امت و با دامنه ای به گستره مصالح آن به انجام رسانید و شعرها، ادبیات، ارتباطات و یارگیری برای نهضت را بر این اساس تنظیم نمود.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی یادآورشد: در سخنان امام(ع) دو واژه «امت» و «اسلام» برجستگی خاصی به خود گرفته بود آنجا که فرمود (علی الاسلام السلام اذ بلیت الامه براع مثل یزید) و این نشان می دهد این امام همام به دنبال ایجاد حرکتی محدود به حدود شیعه نداشته است و نصیحت کسانی هم را که می گفتند، وی به جای رفتن به کوفه به نزد شیعیان خود در یمن برو، به همین خاطر نپذیرفتند؛ بلکه با نگاهی دقیق و فراگیر به «امت» از آن نظر که دارای کیان واحد، سرنوشت واحد، دین واحد (یعنی: اسلام) و انسانهای واحد (یعنی: فارغ از شیعه بودن آن ها برای حضرت یا عثمانی مذهب بودنشان) هستند، می اندیشند. این استاد حوزه بیان داشت: اینکه امام حسین(ع) برای نهضت خود از «زهیر بن قین» (که عثمانی مذهب بود) نیز دعوت کردند که به او بپیوندد، گواهی بر این مدعاست که حضرت در پی حرکتی در فضای امت و با

تحلیل متفاوت، علنی و شفاف سیدحسن نصرالله از داعش، النصره و کلیت جریان تکفیری نشان می‌دهد که برای مقابله با این جریان باید به نجبگان دینی و راه‌های درون دینی متوسل شد. اگر چه این جریان در عمل ارابه کش غرب و صهیونیست‌ها است و انرژی جهان اسلام را در مسیر باطل مصرف می‌کند اما نصرالله آنان را وابسته به غرب معرفی نکرد. گزینه دیگری که مبتنی بر نظریه دور کیم است نیز توسط نصرالله رد شد. دور کیم بین محرومیت و فقر و گرایش‌های تند مذهبی، رابطه برقرار می‌کند اما نصرالله با استناد به اعضای اروپایی جریان تکفیری این فرضیه را نیز رد می‌کند.

نصرالله این جریان را از زاویه آموزش ایدئولوژیک و اعتقادی تحلیل می‌کند، بنابراین نقطه تمرکز برای حل آن نیز باید درون دینی و غیرامنیتی باشد. نصرالله در شب سوم محرم امسال می‌گوید: «کسی که فقط سراغ درمان امنیتی یا نظامی برود اشتباه می‌کند.

مسئله ریشه‌دارتر از آن است که به صورت امنیتی یا نظامی درمان شود. یا مثلاً افرادی می‌گویند این جریان‌ات در محیط فقر رشد می‌یابند، پس برویم توسعه ایجاد کنیم. توسعه در هر صورت خوب است ولی بسیاری از این افراد در فقر زندگی نکرده‌اند. از اروپا می‌آیند. بسیاری از این افراد اوضاع مالی‌شان خوب است و زندگی معمولی و بلکه مرفه دارند. اینها ساده‌انگاری است. بگذارید کار را یکسره کنیم و بگویم جست‌وجو به دنبال دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به جای غلط ختم می‌شود. اینها شاید کمک، شرایط، واسطه یا محیط باشند ولی دلیل اصلی و جوهری همین دلیل عقیدتی، فکری و فرهنگی است.

کسی وارد جهان اسلام شد و به هزاران جوان و خانواده گفت مسئولیت دارید زمین را از کفر و شرک

انسانهای امت و برای امت بودند.

وی گفت: حتی امام در نهضت خود، فراتر از مسلمانان به اخلاقیات برای بشریت می اندیشیدند، این جالب است که در نهضت وی، میان اصحاب وی اهل سنت و مسیحی هم وجود داشته است، البته اکثریت اصحاب آن حضرت شیعه خالص او بودند و این نیز جالب است که وقتی آن حضرت می فرمایند

«دست کم آزاده باشید» نوعی تایید بر ارزش بودن آزادیگی با صرف نظر از بودن یا نبودن آن آزادیگی در فضای دین استفاده می شود و اتفاقاً این عنصر آزادیگی بما هو هو آن قدر مهم است که بسیاری از انسانها که مسلمان نیستند از آن الهام گرفتند.

در منطق حسینی، شیعه بخشی از امت است و برای امت

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با اشاره به این که باید در فعالیت ها، عملکردها و عزاداری های خود از منبع نهضت حسینی الهام بگیریم، گفت: اگر، ظرف فعالیت های ما به اندازه دامنه امت گسترده نباشد از فلسفه و اهداف قیام عاشورا بهره کامل را نبردیم، مبدا فعالیت ها و عزاداری های ما به گونه ای باشد که حضور شیعه را در فضای امت اسلام کم رنگ کند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی با اشاره به این که سیدالشهدا(ع) از تفرقه ییزار بودند و اصولاً آن حضرت برای رفع خطری که امت را از هر جهت و از جمله تفرق تهدید می کرد، قیام کرد، افزود: اگر قیام امام حسین(ع) نبود امت اسلام تکه پاره می شد، و جنگ ها به شکل نهادی شده تا اعماق لایه های اجتماعی امت اسلام نفوذ می کرد به گونه ای که دیگر قابل علاج ومعالجه نبود.

تفکیک بین کیان شیعه و کارکرد شیعه

وی خاطرنشان کرد: چرا بین دو مقوله تفکیک نمی کنیم؛ یکی کیان شیعه و دیگر کارکرد شیعه؛ کیان شیعه البته با اعتقاد به عصمت اهل بیت (ع) و امامت آن معصومان (ع) تحقق می یابد ولی این شیعه با این اعتقاد که شکل گرفت باید کارکرد خود را در جهت داشتن حضور در امت، خدمت به امت، وحدت با اجزاء دیگر امت و حفظ مناسبات میان امت تنظیم کند دقیقاً کاری که امامان، کردند. اصولاً «امامت همراه با عصمت» ماهیتا

منطق اسلام آماده شهادت بودن است نه عملیات انتحاری

ایشان این بود که بگذارید من برگردم.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی گفت: این به آن معنا نیست که امام(ع) به ملاقات خداوند از رهگذر شهادت نمی اندیشیدند و همان زمان که علی اکبر (ع) ایشان شهید شد، با تمام وجود گفتند اف بر این دنیا ، ولی این یک چیز است و منطق ارزش گذار اسلامی که می گوید اصالت به کشته شدن نیست چیز دیگری است.

این استاد حوزه بیان داشت: منطق اسلام این است که فداکاری کن و آماده شهادت باش، نه به آن معنا که فضایی را ایجاد کن تا کشته شوی، شهادت این است که اگر دشمن بخواهد بین ذلت و عزت شما را مخیر کند، زیر بار ذلت نرویم و در این راه جان خود را از دست بدهیم. وی ادامه داد: این منطق زیبایی انسانی و الهی کجا و عملیات انتحاری کجا؛ امام حسین(ع) هیچ گونه انتحاری ندارد، برای احیای انسان ها قیام کرده است و ندایی که به قاتلان خود داد، این بود که برگردید، یعنی برای آنها هم خیرخواهی می کرد. تروریستها نه تنها برای انسانها خیرخواهی ندارند، بلکه انسانهای بی گناه کوچه و بازار را می کشند، لحن امام حسین(ع) برای دشمنان غدار خود سرشار از نگاه خیرخواهانه بود و با لحن ملاطفت و برعطوفتی می گوید، برگردید.

این استاد حوزه گفت: باید ارزشهای عاشورا را در خود ایجاد کنیم، باید سلوکیات، رفتار و حرکات ما کاملاً اخلاقی باشد تا امام حسینی باشیم، با دشمن هم باید اخلاقی رفتار کنیم، رفتارهای ما هدفمند باشد و رفتارهای هرج و مرجی و عزاداری های بی خاصیت به درد نمی خورد و در کنار عزاداریها به عبادات، نماز و ارزشها... اهمیت دهیم. اگر این تطابقهای سه گانه نباشد ذخیره بزرگ نهضت حسینی را تبدیل به ضد خود کردن است.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی همچنین گفت: رفتارهایی از قبیل قمه زنی باعث می شود که ملت‌های دیگر ما را به عنوان افراد جاهل تلقی کنند. این ظلم به شیعه و اهل بیت(ع) است. شور حسینی را باید در میدان عمل و داشتن اخلاق حسینی ببریم. در عصر ارتباطات که هیچ تحرکی در هیچ جای جهان بدون بازتابها و انعکاس جهانی نیست، باید همه چیز ما خصوصاً عزاداریهای ما روی حساب و برنامه باشد.

اگر خودکشی و انتحار به مثابه جهاد است، باید این جماعت در همان مدارس‌شان نابود شوند که لاقل به دلیل خودکشی در قعر جهنم قرار نگیرند. چطور می‌شود خیابان‌های بغداد و دمشق و صنعا و کربلا و کاظمین باید ناامن باشد اما مراکز آموزشی وهابیت که مراکز آتش افروزی و کینه‌توزی علیه فرقه‌های مختلف مسلمین و ادیان توحیدی است، باید امن باشد؟ باید علمای بزرگ اهل سنت این سؤال را بپرسند که: چرا اموال مسلمین که در مسیر حج اکبر هزینه می‌شود صرف برادر کشی می‌شود؟ راه‌حل این مسئله نه به دست غرب است که درخواست چنین مسئولیتی از غرب برای جامعه مسلمین عار و ننگ است، بلکه به عهده علمای محترم و معظم اهل سنت در سراسر جهان اسلام است. آنان که علاقه‌مند به نمایاندن چهره رحمانی اسلام به ملت‌های جهان هستند، باید دست به کار شوند و گوهر ناب و زندگی‌ساز اسلام را به جای گزینه نابودی و مرگ برای مردم جهان ترسیم و تبلیغ نمایند.

مسلمانان اهل سنت باید نهضت ممنوعیت اعزام فرزندان‌شان به این مدارس را آغاز نمایند و به صورت نمادین کتب ابن عبدالوهاب را بسوزانند. اگر این اقدامات صورت نگیرد اسلام و تمدن اسلامی در حد فرقه‌ای آدمکش و جانی و فاقد عقلانیت معرفی و تقلیل خواهد یافت و گسترش اسلام در جهان معاصر متوقف می‌شود و غرب هزینه‌های مبارزه با جهان اسلام را از جیب خودمان خواهد پرداخت.

استمرار وضع موجود به استمرار اشغال قدس منجر خواهد شد و خواب آشفته بنی‌اسرائیل مبنی بر تصرف از نیل تا فرات دوباره تعبیر خواهد شد و امنیت متزلزل صهیونیست‌ها تضمین مجدد خواهد شد.

دکتر عبدالله گنجی

اعتقادی شیعی است و اختصاصی شیعه می باشد؛ ولی همین امامت، یکی از کارکردهای مهم آن نظم بخشی به مسلمین بوده است (و به قول امام رضا علیه السلام: الامامه نظام المسلمین)

وی گفت: این تفکر که در قول و سیره امامان (ع) منعکس است کجا و تفرقه افکنی برخی در ماهواره ها به پنهان امامت کجا؟ وی افزود: اصولاً شیعه در عینیت تاریخی زمان امامان، گروهی برای امت، در خدمت امت و به نفع امت بودند.

تطابق فرهنگی رفتارهای ما با عاشورا

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی با اشاره به این که عاشورا با خمیرمایه ای از ارزش‌های جدی فرهنگی شکل گرفته است، گفت: لزوم تطابق مشی و رفتارهای ما خصوصاً عزاداری هایمان با فرهنگ و ارزش های عاشورایی ضرورتی است که نبود آن، ما را در غیر مسیر عاشورایی و گاه نقطه مقابل آن قرار می دهد.

وی عبودیت و عبادت، نظم ، عطوفت و مهربانی، فداکاری و از خودگذشتگی را از جمله ارزش های قیام عاشورا ذکر کرد و گفت: شیعه ای که از عبادت و عبودیت دور باشد در مسیر اهداف امام حسین(ع) نیست.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی گفت: متأسفانه امروز عده ای به نام اسلام و مسلمین به چیزی جز کشتن انسانها نمی اندیشند و افراد بی گناه کوچک و بزرگ، پیر و جوان را با ترور می کشند و گاهی برای کشتن دیگران خود را نیز به کشتن می دهند.

وی ادامه داد: امام حسین (ع) در قیام عاشورا هرگز از مرگ استقبال نکردند، آمادگی برای فداکاری تا حد مرگ با منطق «هیبهات منا الله» چیزی است و اصالت دادن به مرگ و تمرکز بر آن به‌ویژه مرگ دیگران چیز دیگری است.

وی گفت: امام حسین (ع) آمادگی صد درصد برای فداکاری دارد و این فداکاری را تا آخر هم می رساند ولی این، غیر از این است که خود بگوید دوست دارم کشته شوم، و یا اگر فرصتی برای کشته نشدن است آن را نادیده بگیرد امام حسین(ع) بارها فرمودند، بگذارید من برگردم، یا حتی وقتی تمام اصحاب و عزیران امام حسین(ع) به شهادت رسیدند اگر کسی دیگری جای امام بود از دنیا مأیوس می شد، یکی از مطالبات جدی

رسالت علمای اهل سنت از دیدگاه نصرالله

خیابان می‌جنگند نمی‌توان راه‌حل مناسب طراحی نمود. اگر مسئله آنان از «کتاب»، «مدارس خاص» و «مفتیان تکفیر‌گرا» نشئت می‌گیرد، باید به سراغ اینها رفت. برای حل مسئله باید نهضت عمومی علمای اهل سنت به راه بیفتد. علمای اهل سنت باید از این زاویه نگاه کنند که قتل و جنایت بی رحمانه قس‌القلب‌ها در رسانه‌های غرب به عنوان سیمای اسلام و جهاد معرفی می‌شود و خشک مغزی و ضعف عقلانیت و انسان کشی این جماعت را به جوهره دین نسبت می‌دهند.

بنابراین باید قیام عمومی برای شناسایی و تعطیلی مدارس این گروه در سراسر جهان اسلام به راه افتد. باید تدریس کتب محمد ابن عبدالوهاب و نوادگانش ممنوع گردد و باید مفتیان آنان چنان انگشت‌نما شوند که جایی برای زندگی در جوامع اسلامی نداشته باشند. دروغ‌هایی که در مدارس وهابی به خورد جوانان مسلمان داده می‌شود، تخم کینه و جنگ را در بین مسلمانان می‌پاشد. به طور مثال به آنان می‌آموزند که شیعیان اثنی عشری فرقه‌ای هستند که صفویه درست کرده است و آنان نیز برای نام بردن از شیعه از واژه «صفویان» استفاده می‌نمایند. اما این دروغ به راحتی قابل اثبات است که ۲۰۰ سال قبل از پیدایش صفویه، ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنه» به عقاید شیعی حمله کرده است. لذا به راحتی مشخص می‌شود که واژه صفویان آموزه مدارس وهابیت است. باید مدارس تکفیر‌گرا تعطیل و محل آنان به مدارس وحدت و مسجد تبدیل شود. باید بار ارزشی منفی این فرقه و مدارس آنان چنان برجسته شود که ورود به آن پرهزینه و موجب انزوای اجتماعی و دینی گردد.



«اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت» منتشر شد



کتاب «اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت» نوشته جواد جعفری از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مشعر وابسته به حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت و با همکاری گروه کلام و معارف

پژوهشکده حج و زیارت چاپ و راهی بازار شد.

در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: عقیده مهدویت، از عقایدی است که تمام مسلمانان با داشتن اختلاف مذهبی، بر آن اتفاق نظر دارند؛ چراکه موعود کتاب آسمانی مسلمانان و بشارت پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی(ص) است. مطرح کردن اندیشه مهدویت می‌تواند چشم‌انداز حرکت امت اسلامی را مشخص نماید.

هر فرد، گروه، تشکل و جامعه‌ای می‌تواند در سایه توجه به مهدویت، وظیفه خود را بشناسد و براساس آن، عملکرد خود را بسنجد. می‌توان با نگاه به این وعده بزرگ الهی و نبوی، فصلی مشترک برای گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی ایجاد نمود و مسلمانان را بیشتر به هم نزدیک کرد؛ چراکه بسیاری از موضوعات مهدویت میان همه مذاهب اسلامی مشترک است.

متأسفانه گروه‌هایی که با وحدت مسلمانان، منافع شیطانیشان به خطر می‌افتد، همواره به‌دنبال ایجاد تفرقه‌اند و چنین وانمود می‌کنند که عقیده مهدویت در نظام فکری شیعه، فصل مشترکی با اهل تسنن ندارد و امام مهدی شیعه (عج) تنها در نام «مهدی» با اهل سنت مشترک است. گروه‌های تکفیری وهابیت از این دسته‌اند. صورت خوش‌بینانه این است که چنین افرادی، افزون بر بی‌اطلاعی از روایات شیعه، کمترین آگاهی هم از منابع روایی اهل تسنن ندارند؛ زیرا اگر نیم‌نگاهی به این کتاب‌ها بیندازند، خواهند دید بسیاری از مسایل مهدویت میان شیعه و سنی مشترک است.

این کتاب شامل سه فصل شخصیت‌شناسی امام مهدی(عج)، قیام امام مهدی(عج) و حکومت امام مهدی(عج) است که فصل نخست دربردارنده مطالبی همچون «نام امام»، «نسب امام»، «وصاف ظاهری امام»، «جانشینی امام» و «سیره امام» می‌شود.

«حتمی بودن قیام»، «تزدیکی قیام»، «آخرالزمان بودن قیام»، «دوران قبل از قیام»، «نشانه‌های قیام»، «یاران قیام»، «محل قیام» و «فرو آمدن حضرت عیسی(ع) هنگام قیام» از موضوعات مطرح‌شده در فصل دوم این کتاب است.

حکومت امام مهدی(عج) فرجه‌عنوان سومین فصل کتاب اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت است که به بررسی و تبیین موضوعاتی از قبیل «عدالت فراگیر»، «تعمت بی‌سابقه» و «طبیعت سرسبز» پرداخته است.

نویسنده در بخش پایانی کتاب بعد از بیان مطالب موجود درباره اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت نتیجه‌گیری دارد که قسمتی از آن به این شرح است: «از مطالب این سه فصل به روشنی معلوم شد که احادیث فریقین در ارائه تصویر منجی آخرالزمان، شبیه یکدیگرند؛ به عبارت دیگر، احادیث شیعه و سنی در معرفی شخص امام موعود، بیان اوضاع زمان قیام و ارائه تصویر جهان در دوران حکومت ایشان، گویای حقیقتی واحد است.

البته موارد میان احادیث شیعه و سنی بسیار بیش از این است و چنان‌که در مقدمه نیز بیان شد، در این نوشتار تنها احادیث معتبر اهل سنت ملاک قرار داده شد تا بهانه‌ای در دست مخالفان تفرقه‌افکن نباشد و ضعف و عدم اعتبار روایات را بهانه شبهه‌افکنی قرار ندهند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: در حال حاضر نیاز مبرمی به تقرب وجود دارد

که مقدسات همه مذاهب اسلامی باید در این کنفرانس حاکم باشد و احترام به همه مذاهب اسلامی باید مد نظر قرار گیرد.

وی افزود: نکته چهارمی که باید به آن اشاره کنم این است که در نشست‌های تخصصی این کنگره فقط پیرامون تکفیر سوال و بحث شود و اصولاً پیرامون مذاهب اسلامی و سیاست موضوعی مطرح نشود و این کنگره فقط محدود به تکفیر باشد.

وی با بیان اینکه مشکل اول جهان اسلام تکفیر است، اظهار داشت: سابقه تکفیر، انگیزه‌های گروه‌های تکفیری و راه حل‌های برون رفت از تکفیر باید اصول حاکم بر این کنگره باشد.

وی افزود: نکته پنجمی که باید اشاره کنیم این است که در این کنگره فقط درد ها را بیان نکنیم بلکه درمان ها هم عنوان شود و علمای اسلام توصیه‌ها و راه حل‌ها را نیز ارائه کنند.

آیت الله عیسی قاسم: دشمن حقیقی کسی است که به وحدت امت ضربه بزند

است تا در خدمت اهداف حکومت باشد.

وی تأکید کرد: پارلمانی که از دل این انتخابات بیرون می‌آید به هیچ عنوان ارتباطی با دموکراسی که حکومت مدعی آن است، ندارد. چنین پارلمانی قدرت ایستادگی در برابر مواضع رژیم را ندارد بلکه جزئی از آن است و تحت امر آن کار می‌کند، همانگونه که پارلمان قبلی بود.

آیت الله عیسی قاسم در ادامه در مورد مسائل فرقه گرایانه نیز گفت: دشمن حقیقی امت اسلامی کسی است که به وحدت آن ضربه بزند و با اقدام یا سخنان خود بین مسلمانان تفرقه ایجاد کند. پیروان فرق و مذاهب باید در مقابل تفرقه افکنی‌ها هشیار باشند و عالمان و فرهنگ‌سازان، نویسندگان و سخنرانان با مظاهر فرقه‌گرایانه و

حجت الاسلام یونسی: وضعیت تقرب در ایران ایده آل است

خشونت هستند به آنها گرایش پیدا می‌کنند و متأسفانه غربی‌ها برای کنترل انقلاب اسلامی به این گروه‌ها میدان داده‌اند و به آنها کمک می‌کنند.

وی اظهار داشت: برای علاج این مشکل تنها راه حل، بازگشت به اسلام اصیل با کار فرهنگی است و کار فرهنگی نیز بر دوش علما است علمای جهان اسلام چه شیعه و چه سنی باید مسلمین را از این انحراف بازدارند و مردم را آگاه کنند که دشمن اصلی ما اسرائیل و آمریکا و همین گروه‌های تکفیری هستند.

وی پیرامون نقش رسانه‌های دلسوز جهان اسلام برای مقابله با تفکر تکفیری گفت: رسانه‌ها در این زمینه باید به درستی اطلاع‌رسانی کنند ابتدا باید چهره خشن و ماهیت حقیقی این گروه‌ها را به مردم معرفی کنند و دوم اینکه چهره رحمانی و زیبایی‌های اسلام را به جهانیان عرضه نمایند تا به جای اسلام آمریکایی و خشن، اسلام رحمانی به دنیا معرفی شود.

حجت الاسلام یونسی درباره وضعیت وحدت و تقرب در ایران گفت: وضعیت وحدت و تقرب در ایران نسبت به سایر کشور های اسلامی بسیار ایده آل است ولی باید تلاش کنیم تا بهانه‌ها را از دیگران بگیریم

حجت الاسلام و المسلمین نواب: خبرگزاری تقرب فراگیر شده است

نمی‌رسد اظهار داشت: جنگ نظامی ممکن است تا حدودی ظاهر قضیه را آرام کند اما نمی‌تواند این مسئله را ریشه‌ای حل کند، آیا آمریکا با حضور ده ساله‌اش در افغانستان توانست مسئله القاعده را حل کند بنابراین برای حل این مسئله باید از راه فرهنگی وارد شد.

وی درباره دلایل عدم مقابله با تهدیدات تکفیر و داعش گفت: متأسفانه نهاد های فرهنگی مسئله تکفیر را جدی نگرفتند و اصلاً مطبوعات و رسانه‌های ما موضوع فرهنگ بویژه فرهنگ دینی را جدی نگرفتند تا بتوانند با تهدیدات آن مقابله کنند.

حجت الاسلام و المسلمین نواب با بیان اینکه همه مجموعه‌های فرهنگی جهان اسلام اعم از رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و حتی علما در این زمینه کم کاری کردند، افزود:

تنها: حضرت آیت الله مکارم شیرازی در دیدار آیت الله اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی و هیئت همراه وی، ضمن ابراز خوشحالی از انتخاب آیت الله اراکی به عنوان دبیر کل مجمع جهانی تقرب گفت: امیدواریم آینده بهتری برای فعالیت‌های تقریبی در پیش رو داشته باشیم زیرا اکنون نیاز مبرمی به تقرب وجود دارد. وی در ادامه با اشاره به برگزاری کنگره جهانی «جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمی اسلام» در قم گفت: باید به نکاتی پیرامون برگزاری این کنگره اشاره کنم نکته اول اینکه این کنگره سیاسی نیست بلکه یک کنگره کاملاً علمی است.

وی افزود: نکته دوم اینکه این کنگره رنگ مذهبی خاصی ندارد هرچند این کنگره در کشور ما برگزار می‌شود اما نباید رنگ و بوی شیعه داشته باشد بلکه کاملاً باید رنگ اسلامی داشته باشد.

آیت الله مکارم شیرازی گفت: نکته سوم این است

به گزارش صدای منامه، آیت الله «شیخ عیسی قاسم» در خطبه‌های نماز جمعه که در مسجد امام صادق(ع) منطقه الدراز برگزار شد، گفت: آل خلیفه از انتخابات همان نتیجه‌ای را می‌خواهد که همه انتظارش را دارند و اگر مخالفان اصلی رژیم نامزد شوند به شیوه‌ی حذفی عمل خواهد شد.

شیخ عیسی قاسم افزود: حکومت تنها طرفی است که برای انتخابات طرح ریزی می‌کند و اهداف آن را مشخص می‌نماید. در این میان مردم هیچ‌کاره‌اند و قوانین و اصول، محلی از اعراب ندارد. دشمن اصلی این مجلس نیز – در صورت مردمی بودن – خود حکومت است. رژیم آل خلیفه تنها برنامه ریز این مجلس است، مجلسی که ضمانت داده

حجت الاسلام «علی یونسی» دستیار ویژه رئیس جمهور ایران در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی با حضور در غرفه خبرگزاری تقرب در بیستمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها پیرامون پیدایش تکفیر به خبرنگار تقرب گفت: تکفیر یک بدعتی در جهان اسلام است که در همان سده اول اسلام توسط منافقین وارد اسلام شد و خارج هم در به وجود آمدن آن بسیار مؤثر بودند که متأسفانه به مرور زمان تبدیل به یک رویه در دنیای اسلام شد که هر جا تکفیر به وجود آمد خشونت و جنگ نیز به دنبال آن آمد. وی با بیان اینکه تکفیر یک عمل غیر اسلامی و بر خلاف سنت پیامبر و اصول مسلم اسلام است، اظهار داشت: کسی که شه‌ادین را می‌گوید و اصول مسلم اسلام را قبول دارد نباید به خاطر نظر خاص یا اختلاف نظری که دارد آنرا متهم به کفر نمود.

حجت الاسلام یونسی با بیان اینکه گروه‌های تکفیری همه فرقه‌های اسلامی را تکفیر می‌کنند و یک اعلام جنگ علیه اسلام کرده‌اند، اظهار داشت: گروه‌های تکفیری که داعش نمونه‌ای از آن است یک اعلام جنگ علیه اهل سنت و شیعه کرده‌اند و به دلیل ماهیت خشنی که دارند افراد منحرف که به دنبال

حجت الاسلام و المسلمین «سید ابوالحسن نواب» رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب در گفت و گو با تقرب با انتقاد شدید از رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی جهان اسلام اظهار داشت: دستگاه‌های فرهنگی جهان اسلام ابتدا باید پیرامون کم کاری و سستی خودشان برای مقابله با تکفیر استغفار کنند.

وی با بیان اینکه دستگاه‌های فرهنگی جهان اسلام باید شبانه روز در جهت معرفی تفکر تکفیری و تفکر افراط تلاش کنند، اظهار داشت: دستگاه‌های فرهنگی جهان اسلام باید ماهیت وجودی این نوع تفکر را برای مردم جهان به ویژه مسلمانان روشن کنند.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب با بیان اینکه مقابله با داعش و طالبان و القاعده با جنگ نظامی به هیچ جایی

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۳۷۷۴۱۴۲۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

عالم اهل تسنن در همایش «سیدالعابدین»:

اگر با خواندن «صحیفه سجادیه»
فهمتان از قرآن بیشتر نشد، سر
از تنم جدا کنید

اولین همایش «سیدالعابدین» ویژه چهارمین کنگره بین‌المللی امام سجاد (ع) به همت ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور برگزار شد. شیخ محمدصدیق فهیمی از علمای اهل سنت استان هرمزگان در این همایش گفت: عاشورا به عنوان ناگوارترین حادثه و زشت‌ترین حرکت بشری لکه ننگی بر پیشانی تاریخ گذاشت.

وی با اشاره به جمعیت حاضر در این همایش ابراز داشت: اذعان می‌کنیم نمونه این حضورها در جمهوری اسلامی ایران مدیون امام خمینی است و دعای کتیم برای خلف صالح ایشان که به حق، میراث‌بر حقیقی آن رهبر فقید و از سلاله پاک حضرت زهرا و حضرت علی است و ما مدیون اندیشه والا و بلند مقام معظم رهبری هستیم. این عالم اهل تسنن عنوان کرد: امام سجاد این دلاورمرد تاریخ در میدان نبرد حق علیه باطل به گونه‌ای بود که مانند امام حسین (ع) می‌دانستند فرعون در مقابل ایشان قرار دارد، نه تنها فرعون بلکه با فرعونیان متعددی را در طول دوران حیات مبارکشان مواجه شدند.

وی خاطر نشان کرد: امام سجاد (ع) دو سال در زمان امیرالمومنین (ع)، ۱۲ سال زحمت و رنج امام حسن (ع) و سپس کنار امام حسین جبهه باطل را از نزدیک مشاهده کردند و خودشان در دوران خفقان شدیدی قرار گرفتند و با وجود این که دوران امامت امام باقر میدانی برای تربیت بود اما در دوران امام سجاد (ع) قیام به گونه‌ای آرام ادامه پیدا کرد. و فشاری که ایشان تحمل می‌کردند تکرار تاریخ و نزول این آیه بود که در قلب حضرت رسول (ص) نازل شد: «يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ / قِمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا».

شیخ محمدصدیق فهیمی تصریح کرد: اگر بخواهیم با عینک انصاف به یک ماجرا نگاه کنیم به طور مثال اگر کسی در همسایگی ما قریب باشد و فردی از خانواده‌اش از بین برود عکس‌العمل ما چگونه خواهد بود؟! ما به او تسلیت گفته در مراسم عزایش شرکت می‌کنیم و حرمت عزیز از دست رفته‌اش را نگه می‌داریم اما دردی که اکنون در کربلا داریم و تاقیامت هم خواهد بود و ثمره آن باید در بندیدن جان مجبان اهل بیت باشد مملو از عشقی است که به خداوند متعال و ساحت مقدس ائمه اطهار (ع) داریم.

وی در خصوص چرایی تصمیمش بر کنار نگذاشتن صحیفه سجادیه، ابراز داشت: بسیاری از ما به دنبال تفسیر صحیح قرآن هستیم اما من به عنوان یک فرد سنی محب اهل بیت عشق آقا را در دل دارم و آنچه که بر زبانم جاری می‌شود یکی از تفاسیر ارزشمندی است که برای قرآن کریم موجود بوده و به ما رسیده صحیفه سجادیه است، شما بروید صحیفه سجادیه را بخوانید، اگر قرآن را بیشتر از قبل متوجه نشدید بیایید سر مرا از تن جدا کنید!

این عالم اهل تسنن اظهار داشت: وقتی بزرگان در توصیف ایشان امام سجاد را شخصیت بی‌نظیر ترسیم می‌کنند من چه چیزی برای گفتن می‌توانم داشته باشم آنجا که امام شافعی می‌گوید امام سجاد «فتح» بود در فقه، سراغ هیچکسی نرفت که بالاتر از امام سجاد اطلاعات داشته و خداوند را به خاطر این نعمت شاکریم.

برگزاری مراسم رونمایی از کتاب «لبیک یا حسین»

اینها: مراسم رونمایی از کتاب «لبیک یا حسین: گفتارهای عاشورایی سید حسن نصرالله» با ترجمه محمد حسین مرکی در روز ۱۷ آبان ماه با حضور حجت الاسلام والمسلمین استاد سیدهادی خسروشاهی، حجت الاسلام محمدرضا زائری مدیر مسئول انتشارات خیمه، سید عبدالله صفی الدین نماینده حزب الله لبنان در ایران، غضنفر رکن آبادی سفیر سابق ایران در لبنان، سردار مرتضی طلایی، حجت الاسلام سید جواد موسوی هوایی معاون پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی و جمعی از مسئولان فرهنگی در مجتمع فرهنگی شهدای سرچشمه برگزار شد.

نسخه امروزین عاشورا

حجت الاسلام محمدرضا زائری در ابتدای این مراسم با اشاره به کتاب «لبیک یا حسین: گفتارهای عاشورایی سید حسن نصرالله» اظهار کرد: کلمات عاشورایی سید حسن نصرالله نسخه امروزین و بین‌المللی عاشورا به مخاطبان است و از این نظر بیشتر حایز اهمیت است. به گفته زائری آنچه قرار بود در پیام عاشورا تکرار و رویت شود امروزه کمرنگ شده و گاهی ادبیات عاشورایی ما بیشتر به سمت ادبیاتی عاطفی متمایل می‌شود تا ادبیاتی حماسی. در واقع این ادبیات عاطفی گاه در حد توصیف چشم و ابرو تنزل می‌یابد در حالی که ادبیات عاشورایی باید حماسی و شورانگیز باشد.

وی تاکید کرد: تفاوت اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی باید در ادبیات عاشورایی مشخص باشد و این در حالی است که گاه ادبیات عاشورایی ما از آنچه باید باشد فاصله می‌گیرد و ادبیات محفلی، پررنگ می‌شود. حجت الاسلام زائری در بخشی دیگر از سخنانش با اشاره به این که ادبیات عاشورایی باید مخاطب بین‌المللی را خطاب قرار دهد، گفت: گاه این ادبیات، ادبیات حماسی منحصر به یک دوره تاریخی بوده است، با وجود این ما نیاز داریم که اکنون ادبیات حماسی بیشتر رواج یابد.

مدیر مسئول انتشارات خیمه ادامه داد: شاید کسانی که در لبنان نبوده‌اند و فضای آنجا را از نزدیک حس نکرده‌اند نتوانند چندان معنای «لبیک یا حسین» سید حسن نصرالله را درک کنند. با این حال امروز در تمام دنیا و در ادیان گوناگون پیام «یا حسین» ایشان را می‌شنوند چرا که او به عنوان فرزند حسین بن علی (علیه السلام) از ادبیات عاشورایی، حماسی و پرشور حرف می‌زند. وی یادآور شد: کتاب «لبیک یا حسین...» را انتشارات خیمه برای نخستین بار با ترجمه فارسی منتشر کرده است.

حسن نصرالله و شناخت دشمن اصلی

غضنفر رکن آبادی سفیر سابق ایران در لبنان در بخش دیگری از این مراسم با اشاره به تاریخچه شکل‌گیری حزب الله لبنان گفت: سیدعباس موسوی ۳۳ سال پیش دبیر کل حزب الله لبنان بود و از آن زمان تاکنون حزب الله لبنان فراز و نشیب‌های بسیاری داشته و در این دوره نقاط عطف پیروزی حزب الله لبنان در مقابل



صهیونیست‌ها رقم خورده‌اند.

وی ادامه داد: امام موسی صدر در گذشته نهضت محرومان و هسته اولیه مقاومت را تشکیل داد و از سال ۱۹۸۲ با اشغال بیروت، همواره شاهد مقاومت روزافزون به ویژه حزب الله لبنان بوده ایم و از زمانی که سید حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان بوده است، پیروزی‌های درخشانی را مشاهده کرده ایم.

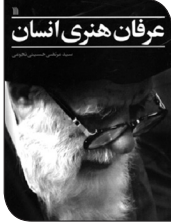
وی افزود: در سال ۱۹۹۳ در یک جنگ عربی - اسرائیلی برای نخستین بار اسرائیلی‌ها شکست می‌خورند و این در حالی است که در چهار جنگ پیش همواره آن‌ها پیروز بودند. البته امروز اسرائیلی‌ها علاوه بر بحران هویت، مشروعیت و امنیت با مشکل تغییر موازنه قدرت نیز مواجه شده‌اند.

به گفته رکن آبادی، در سال ۲۰۰۰ و پس از تصویب قطعنامه ۴۲۵ که شورای امنیت آن را اجرا نکرد، اسرائیلی‌ها از لبنان فرار کردند و موجب افزایش روحیه در فلسطینی‌ها شدند و آن‌ها فهمیدند که می‌توانند اراضی اشغال شده را پس بگیرند. در سال ۲۰۰۶ نیز پیروزی در جنگ ۳۳ روزه رقم خورد و در نتیجه در بازتاب پیروزی‌های مقاومت در لبنان پیروزی‌هایی دیگری در سال‌های ۲۰۰۹، ۲۰۱۲ و اخیرا در غزه رقم خورده است.

سفیر سابق ایران در لبنان با اشاره به شکل‌گیری جریان‌ات تکفیری تروریستی در جهان گفت: سیدحسن نصرالله از همان ۲۰ سال گذشته با روشن بینی خطر جریان‌ات تکفیری را پیش‌بینی کرد و با رهبری شایسته خود اجازه ورود این جریان را به لبنان نداد و همواره بر وحدت بین ادیان و مذاهب تاکید داشت.

وی یادآور شد: سیدحسن نصرالله همواره تاکید می‌کرد که باید دشمن اصلی خود را بشناسید همان‌گونه که شهید مطهری می‌گفت باید شمر و یزید زمان خود را بشناسید. امروزه در یک طرف جریان‌های تکفیری دست پرورده سازمان‌های اطلاعاتی منطقه و رژیم صهیونیستی قرار دارد و در طرف دیگر قربانیان آن اعم از شیعه، سنی و مسیحی.

به گفته رکن آبادی، سید حسن نصرالله با طرح این سوال که باید بدانید دعوا برسر چیست؟ از خطر ورود جریان‌های تکفیری به لبنان جلوگیری کرد و آن را در نطفه خفه کرد و این موفقیت‌ها موهون رهبری مدبرانه و حکیمانه او و البته ارتباط قلبی و مریدی و مرادی



کتاب «عرفان هنری انسان» مجموعه سخنرانی آیت الله سیدمرتضی نجومی (ره) همزمان با پنجمین سالگرد ارتحال این عالم فرزانه و هنرمند برجسته جهان اسلام از سوی انتشارات سروش منتشر شد.

کتاب «عرفان هنری انسان» مجموعه‌ای از چند سخنرانی آیت الله نجومی است که به صورت مکتوب به نگارش درآمده است و شامل مجموعه مدونی از سخنرانی‌های ایشان درباره هنر دینی است که با دیدگاه ایشان در مورد چرایی و چگونگی ارتباط دین با هنر و نمونه‌های جالبی از پدیده‌های هنری دینی در کشورمان و جهان اسلام آشنا می‌شویم.

کتاب حاضر در ۷ فصل به نگارش درآمده است که عبارتند: «از هنر و زندگی، هنر وسیله تعالی، آرایش هنری در انسان، تجلی هنر در اسلام، توفان‌های جانکاه و گنجینه‌های همیش‌ه زنده، آمیختگی هنر و عرفان و رسالت هنر مردمی و متعهد.»

ایشان با مقام معظم رهبری است.

وی در بخش پایانی سخنانش اظهار کرد: امروز اگر بخواهیم جایگاه مقاومت را در جهان درک کنیم باید بدانیم همان‌طور که رهبری بیان کردند نظم جدیدی در جهان در حال شکل‌گیری است و جبهه مقاومت در این نظم جدید در دست بالاتر قرار دارد.

آرامشی که نصرالله با عشق به حسین
(علیه السلام) آفرید

سید عبدالله صفی الدین نماینده حزب الله لبنان در ایران نیز در بخش دیگری از این مراسم درباره وضعیت نخستین هسته‌های مقاومت در لبنان سخن گفت و اظهار کرد: در ابتدا که هسته‌های مقاومت تشکیل شد شرایط لبنان از لحاظ تعداد نیرو و اعتراضات رهبران و مردم نسبت به این گروه متفاوت بود بنابراین مقاومت در ابتدای شکل‌گیری اش شرایط سختی داشت اما به مرور و با پیروزی‌های مکرر مقاومت نگاه بزرگان شیعه و رهبران لبنان به آن تغییر کرد و اکنون بیشتر مردم لبنان از مقاومت حمایت می‌کنند.

وی ادامه داد: آن چیزی که در لبنان تزریق شد این بود که با رهبری مرد بزرگی مانند سیدحسن نصرالله تفکر حسینی به مردم منتقل شد چرا که اگر کسی بخواهد امام حسین (علیه السلام) را بشناسد باید عاشق او شود و وجودش در مقابل او بی معنا شود. بنابراین اگر عاشق او نباشیم نمی‌توانیم بفهمیم که برای چه قیام کرده است. برای انتقال این فرهنگ به مردم نیز نیاز به فردی داریم که عظیم باشد.

وی در ادامه، خاطره‌ای از مواجهه خود با سخنرانی سید حسن نصرالله پیش از انقلاب اسلامی بیان کرد و افزود: قبل از این که ایشان رهبر حزب الله لبنان شوند، برای سخنرانی در مجلس ختم یکی از اقوام ما شرکت کردند و در آنجا از امام حسین سخن گفتند و من همان‌جا عشق به امام حسین (علیه السلام) را در ایشان دیدم. بنابراین این شوق و عشقی که در گفتارهای عاشورایی سید حسن نصرالله وجود دارد از گذشته در ایشان بوده است.

صفی الدین تاکید کرد: در مناطقی که شیعیان چنین شخصیت‌های بزرگی ندارند و پیام عاشورا به مردم منتقل نشده، مشکلات بسیاری به وجود آمده است. بنابراین ما آرامش میان شیعیان در لبنان را مدیون عشق به امام حسین (علیه السلام) هستیم.

وی یادآور شد: اکنون مشاهده می‌کنید که عشق به امام حسین (علیه السلام) چه عزتی را برای شیعیان لبنان به وجود آورده است و عزت و مقاومت بدون عشق به امام حسین معنا ندارد. چرا که ایشان عشق و شهادت و فداکاری را به همه درس داد و چنین ملتی شکسته نمی‌شود.

به گفته وی، باید این تفکر و روح حسینی به جامعه منتقل شود همان‌گونه که سید حسن نصرالله این روح را به جامعه لبنان منتقل کرده است.

در پایان این مراسم با حضور شخصیت‌های فرهنگی از کتاب «لبیک یا حسین» رونمایی شد.

کتاب «عرفان هنری انسان» آیت‌الله نجومی منتشر شد

فرهیختگان و اهل هنر و کتابخانه شخصی و عظیمشان مرجع مراجعه اهل ذوق و مطالعه بوده و هست. از استاد نجومی تالیفات و آثار زیادی برجای مانده که تعدادی از آنان در زمان حیات ایشان و تعداد دیگری پس از ارتحال ایشان منتشر شده است.

آیت الله نجومی در بخشی از کتاب عرفان هنری انسان آورده است: «اگر هنر رسالت انسان‌سازی داشته باشد، به یقین باید از اصالت‌های والای انسانی و عرفانی الهی سرچشمه گیرد تا جاودانه و پویا باشد و دستخوش ابتلال نشود، به ویژه در این عهده‌ای که نسیم احکام آسمانی و عدالت اسلامی به واسطه انقلاب اسلامی در همه جا به وزش درآمده است.»

کتاب «عرفان هنری انسان» در ۸۰ صفحه قطع وزیری و با قیمت ۳۵۰۰ تومان از سوی انتشارات سروش منتشر و در اختیار علاقمندان و دوستداران فرهنگ، هنر و عرفان اسلامی و ارادتمندان آیت الله نجومی قرار گرفته است.